

بازهم در ضرورت افشاء و

مقابله با سنگ اندازان مسیر انقلاب و سرنگونی

حکومت دینی پا به عرصه نهاده در نقش ناجی حکومتی ظاهر گردید که بعد ازدی دده خشونتو سرکوب فزون از حد، ن فقط توانسته بود امیال ارجاعی و موادین شرعی واسلامی را تمام و کمال پیاده کند، بلکه مقاومت ها و عکس العمل های مخالف آمیز تند و شدیدی را نیز در میان توده مردم برانگیخته و بنیاد نظام را در معرض خطر صفحه ۳

درست در لحظاتی که رژیم جمهوری اسلامی در پایهای ترین اصل حکومتی و دژ مرکزی خود یعنی ولایت فقیه از همه جا ضعیف ترشده و مقتدرترین فرد این دستگاه حکومت دینی و نگهبان اصلی و امدادار این دژ به تضعیف و ارزوای بیسابقه‌ی دچار گردیده شکست سیاسی مرتاج ترین جریان ها و مخالف حکومتی، پای رژیم ولایت فقیه را به پرتابه میکشاند، اقلی خاتمی از دل طرفه ایان را سازمان داده است و ضمن بکارگیری تاکتیک ای اورده است . جناحی که در جریان انتخابات ریاست جمهوری از بلوک جناح های رقب و کاندیدای آنها محمد خاتمی شکست خورد، پس از آنکه سرگیجه ناشی از شکست را پشت سر گذاشت، استراتژی مهار و کنترل دستگاه رقب را در دستور کار قرار داد. این استراتژی می باشد، نخست دستگاه رقب را در یک جنگ فرسایشی تصفیه کند، با ایجاد موانع قانونی و غیر قانونی بر سر راه پیشبرد سیاستهای که مخالف آنهاست، تاکتیکهای آنها را خنثی نماید و سرانجام تعرض نهائی را برای شکست رقب و باز پس گرفتن مواضع از دست رفته سازمان دهد.

پیشبرد این استراتژی با توجه به این که در دو سوی این جبهه نبرد، دو نیروی ارتجاعی دربرابر یکدیگر صفا آرایی کرده و توده مردم هرچند که ازستیزو نبرد را در دست گرفته باشد، این دستگاه بقایه نشده بلکه جبهه مستقل خود را گشوده اند، چندان مشکل نبود. چراکه این جناح با در دست داشتن ابزارهای اصلی قدرت و برخورداری از امکانات وسیع، در مقایسه با جناح های رقب امکان بیشتری برای مانور و اتخاذ و پیشبرد تاکتیک دارد . دولت به معنای اخص و دقیق کلمه در دست این جناح است. نیروهای مسلح، دستگاه قضائی، دستگاه قانونگذاری، دستگاه روحانیت و بخش اعظم صفحه ۲۴

دادگاه بین المللی

برای محکمه جمهوری اسلامی به جرم جنایت علیه بشریت

به ابتکار دهها گروه و تشکل دمکراتیک در خارج از کشور، تشکیل دادگاهی سمبیلیک جهت محکمه جمهوری اسلامی به جرم سرکوب و کشتار، ترور و شکجه، قتل عام زندانیان سیاسی، و دریک کلام به جرم جنایت علیه بشریت، در دستور کار قرار گرفت. در نخستین اطلاعیه منتشره از سوی هیئت هماهنگی تدارک تربیونال بین المللی برای محکمه رژیم جمهوری اسلامی ایران، مورخ ۱۴ زئن ۹۸ آمده است :

صفحه ۱۰

((جامعه باز و دشمنانش))

"جامعه بازو دشمنانش" عنوان مقالای است که را بخشا" مدیون باصطلاح "انتقاد از مارکسیسم" است، نویسنده درا ین مقاله "دشمنان" روزنامه در روز نامه جامعه مورخ ۲۶/ اردیبهشت ۷۷ در سنتون" با مسئولیت سردبیر "آن بچاپ رسیده است. قطع نظر از انتخاب عنوان مقاله بنام یکی از دیدگاه خود، انگیزه دشمنی هر یک از آن ها کتابهای کارل ریموند پوپر اطربیشی که شهرتش

صفحه ۴

دراین شماره

خبر اکارگری جهان

اطلاعیه سازمان (گاسه صبور رژیم جمهوری اسلامی لوییز شد)

تداویم نقض حقوق کارگران در جهان

گزیده ای از نامه های رسیده

چرا «مانیفست» یکصد و پنجاه بار جوان قر شده است؟

اولین کنفرانس «همبستگی آسیا»

یادداشت‌های سیاسی

خبر ایران

صفحه ۱۱

صفحه ۲۵

صفحه ۸

صفحه ۷

صفحه ۹

صفحه ۱۲

صفحه ۱۶

صفحه ۱۳

به آدرس جدید سازمان بروی اینترنت توجه کنید

نشانی سازمان بر روی اینترنت:

<http://www.fedaian-minority.org>

پست الکترونیک E-Mail

info@fadaaii-minority.org

صاحبہ با نماینده

جنبش انقلابی توپاگ آمارو (MART) در اروپا ← ۵

استیضاح وزیر کشور و استراتژی جناح مسلط

ابزارهای تبلیغاتی، وابسته به این جناح و ابزار پیشبرد تاکتیکها و سیاستهای آن هستند. لذا این جناح با بهره گیری از این امکانات، در آغاز، تاکتیک حمله‌گاه پهلو و غیرمستقیم به خاتمی را آغاز نمود. ابزارهای تبلیغاتی خود را بخدمت گرفت و مواضع جناح رقیب را مورد حمله قرارداد. مجلس، مطابق سیاستهای این جناح کارخود را ادامه داد، بدون این که هنوز در این مرحله به رو در روئی مستقیم و آشکار برخیزد. دستگاه قضائی به دستگیری تعدادی از شهرداران مناطق تهران و معاونین و مدیران شهرداری اقدام نمود. مرحله جدید در اتخاذ تاکتیک‌های مستقیم تر و عرضی تر بازدین مهره‌های اصلی وفعال کابینه آغاز شد. این تاکتیک با دستگیری شهردار تهران آغاز گردید. او که یکی از سازماندهنگان اصلی کارگزاران بود و در جریان انتخابات ریاست جمهوری نقش مهمی به نفع خاتمی بازی کرد، "شدیداً" مورد حمایت کابینه‌ی قرارگرفت. برغم اینکه وزیر نبود در جلسات و تصمیم‌گیری‌های کابینه حضور داشت و نقش مهمی در پیشبرد سیاستهای خاتمی بر عهده گرفته بود. اما او در عین حال حلقه ضعیف کابینه خاتمی نیز بود، چرا که دستگاه قضائی جناح رقیب، پرونده قطوری از اختلاس‌ها و سوءاستفاده‌های مالی وی را در اختیار داشت که برای دستگیری و کنار زدن وی کفایت میکرد. لذا برغم حمایت خاتمی و طرفداران او از کرباسچی، وی دستگیر و از کار برکنار شد. این که نتیجه محکمه وی چه خواهد شد در اصل قضیه تغییری پدید نمی‌آورد، چرا که هدف اصلی جناح رقیب خاتمی – کرباسچی کنار زدن وی بود که به این هدف رسیده است. هنوز کشمکش بر سراین ماجرا ادامه داشت که این جناح از مراسم سالروز پیروزی خاتمی، وسیله دیگری برای کوبیدن او پیدا کرد. بلوائی برس سوت کشیدن و کف زدن برآهانداخت. تظاهراتی در چند شهر بريا کرد و طرح برکناري و زير کشور را بيمان كشيد. در همين ضمن يكي از سران اين جناح، خر علی، ديرشوراي نگهبان در يك نقطه شديدالحن خاتمي را مستقيماً "مورد حمله قرار داد و او را تهديد به پس گردني خوردن کرد. واکنش خاتمی و جناح وی به همان غر ولندهای چند روزنامه طرفدار آنها خلاصه شد. در اينجا "كاملاً" روشن شد که طرفداران وی ضعیف تر از آن هستند که بتواتر در برایر جناح دیگر عکس العلمی نشان دهند. بلافضله پس از این وقایع است که مجلس ارتیاج اسلامی برای کنار زدن اصلی ترین و مورد اعتماد ترین وزیر کابینه خاتمی دست بکار شد. طرح استیضاح به مجلس ارائه می‌شود و وی از کار بر کنار میگردد. استیضاح عبدالله نوری و برکناري وی از وزارت کشور یک شکست برای کابینه خاتمی و ائتلاف طرفداران او و یک پیروزی مهم برای جناح رقیب آنها بود. این یک استیضاح معمولی نبود، بلکه در واقع استیضاح خود خاتمی بود. مجلس با رای عدم اعتماد به کسی که نزدیک ترین فرد کابینه به خاتمی و مجری اصلی سیاستهای او

کاسه صبر رژیم

جمهوری اسلامی لبریز شد

خبر گزاری جمهوری اسلامی، امروز خبر توقيف روزنامه جامعه را منتشر کرد. انتشار روزنامه گزارش روز نیز از دیروز متوقف شده بود.

توقيف لین روزنامه‌ها در حالی انجام گرفت که وزارت ارشاد اسلامی نیز چند روز پیش، روزنامه جامعه را متهم کرد به این که گویا از «آزادی» سوءاستفاده کرده است.

توقيف این دو روزنامه که با تائید و تصویب هر دو جناح اصلی حکومت، صورت گرفت، این واقعیت را یکباره‌یک آشکارا نشان داد که فرماتریاپیان حکومت اسلامی وابسته به هر جناح که باشند و پشت هر ادعائی که سنگر گرفته باشند، آزادی مطبوعات و انتقاد را در حد سرو دم بزیده آن نیز تحمل نمیکنند، ولو این که این مطبوعات مدافعان نظام باشند و از حکومت اسلامی دفاع کنند.

مدیران و گردانهای روزنامه‌های توقيف شده، خود در زمرة کسانی هستند که سالهای متداولی حتی در ارگانهای سرکوب حاکمیت اسلامی در جهت تثبیت و تحکیم این رژیم تلاش کرده اند و همانگونه که خودشان اعلام کرده اند، نشایرات آنها نیز هدفی جز تثبیت و تحکیم آنی رژیم را دنبال نمیکنند. معهنهای همین کافی بود که از زاویه «خیرخواهی» انتقاداتی به حکومت داشته باشند، به سخنان فرمانده کل سپاه در مردم بزیدن زبانها و زدن گردنها اعتراض کنند و تقدیم‌های خود را در غالب طنز و کاریکاتور ارائه دهند، تا همه سران حکومت را به خشم آورند و کاسه صبرشان را لبریز کنند و بالاخره زبانشان بزیده شود.

این سرکوب‌گریهای حکومت، بار دیگر این حقیقت را به همگان نشان میدهد که آزادی انتقاد و مطبوعات تابعی از یک اصل کلی تر و اساسی تر یعنی آزادیهای سیاسی است. مادام که آزادیهای سیاسی در کلیت آن ویشکلی کامل و پیکر در ایران وجود نداشته باشد، صحبت از آزادی مطبوعات و انتقاد حرف پوچی است. آزادی سیاسی و حکومت اسلامی مانع الجمع اند. رژیم جمهوری اسلامی و همه جناح‌های حاکمیت با آزادی دشمنی آشنا نیزی دارند. ویرایی کسب آزادی باید با حکومت اسلامی جنگید و آنرا سرنگون کرد.

سازمان فدائیان (افقیت)

۱۳۷۷/۳/۲۰

خاتمی از همین حالا عقب نشینی کردند. از جمله مهاجرانی که گویا به قول طرفداران خاتمی، ستون دیگرکاریت است، از آنجاییکه ترسیده‌های است بعدازنوری نوبت برکاری وی باشد، از هم اکنون عقب نشینی‌های خود را دربرابر جناح رقیب آغاز کرده است و بالآخرهایکه این استضاح تضادها و شکاف‌های بلوک انتلاقی طرفداران خاتمی را عمیق تر کرده است. گروهی از بی عرضگی و ضعف او صدایشان در امده است واز وی می‌پرسند که دربرابر تعرضات جناح مقابله چمیکند؟ بعداز برکناری عبدالله نوری یکی از روزنامه‌های طرفدار خاتمی به طعنده نوشته رئیس جمهور شعار قانونگرایی میدهد و جناح رقیب به آن عمل میکند. در مقابل این جناحها که برخی برخلاف تابیل خاتمی شعار انحلال برخی ارگانها و نهادهای حکومتی و برکناری سران آنها را میدهند، جناح های دیگری بوبیزه جناح کارگزاران، از تندرویهای جناح های دیگر سخن میگویند و با آنها خط و مرز میکشند. با این توضیحات روشن است که استیضاح و برکناری عبدالله نوری از وزارت کشته است. خاتمی و شکست اینکه در راستای پیشبرد استراتژی خود، یک دیگر از مهره های اصلی پیش بزنده سیاست خاتمی با این استیضاح، از چند جهت استفاده کرد. نخست اینکه در راستای پیشبرد استراتژی خود، یکی دیگر از مهره های اصلی پیش بزنده سیاست های خاتمی را از سرراه برداشت و کنار گذاشت. دیگراینکه در میان طرفداران خاتمی رعیت و هراس پیدی آورد، تا آنجا که برخی حتی از میان وزاری در تگنای بیشتری قرار خواهد داد.

با گسترش اعتصابات کارگری و تسری آن به واحدی بزرگ و مراکز مهم تولیدی و صنعتی با اعتساب عمومی و فلاح کردن رژیم و سرانجام قیام مسلحه نه تامین می گردد. تامین آزادی و دمکراسی دریک کلام، درگرو عبور از مسیر انقلاب و سرنگونی است. هرگونه منع تراشی و سنگ اندانی در این مسیر خواه از روی عدم اعتقاد به مبارزه توده ای و ترس از انقلاب کارگری باشد خواه از روی خوش خیالی و دلخاتگی به جناح های حکومتی، محکوم و قابل برخورد است و در اصل قضیه تفاوتی ایجاد نمیکند و بایستی با قوت به افشا و مقابله با آن پرداخت. چنین تلاشهایی بی برو برگرد تمامان در خدمت بورژوائی و تداوم اسارت کارگران است. کارگرانی که به میدان آمدند و بیش از پیش دارند بینان می‌آیند تا حقوق پایمال شده خود را بگیرند، تا آزادی را فراچنگ خویش آورند و با پرتتاب پدیده نکت بار و شرم آور حکومت اسلامی به زیاده دان تاریخ، خود و جامعه را آزاد سازند و به اسارت خویش پایان دهد!

بدیهی است جریانهای بورژوائی و آنان که منافع طبقاتی شان ایجاب میکند، همانطور که تاکنون هم نشان داده اند، بدون شک باز هم حاضر و آماده اند تا پلیدترین رژیم ها و مرتعج ترین و مستبدترین جریانها و آدمهارا هم تائید و تکریم کنند. بنابراین ایجاد و اعتراف هزار باره سخنانی از زبان خاتمی و سایر دست اندکاران و حامیان وی و مطبوعات رنگارنگ آنها راجع به اهداف و نیات جریان خاتمی حتی با صدھا در جهوض اوضاع تراز این هم تاثیری روی اینها نخواهد داشت. اینان باز هم آماده اند تا عین استبداد را آزادی بخوانند. برخی از اینان با وجود آنکه دست کم یکبار در دام افتاده اند وطعم آزادی در حکومت اسلامی را چشیده اند، هم اکنون خود رزمره دام گستراندو مدتھاست که انقلاب را به تقابل فرا خوانده اند! اما در مورد آن دسته از نیروهایی که هنوز تمامان از انقلاب و راه انقلاب و سرنگونی رژیم روی برخاسته اند اما در دفاع از آزادی و دمکراسی ناپیکریت، شاید بتوان امیدواریوید یا دست کم آرزو کرد که این صراحت گوئی ها و اعتراض ها از درون رژیم، کمی آنها را بهوش اورد. معهداً این قبیل نیروها را بایستی تحت فشار مداوم گذاشت و سیاستها و ناپیکری هایشان را افشا کرد تا که شایدز خواب غفلت بیدارشوند و در دام نیفتند!

پانویس ها:

- ۱ خاتمی در نقطی که در سالگرد دوم خرداد در دانشگاه تهران ایجاد کرد یکاربیدگر گفت: "درکشور جمهوری اسلامی ایران و لایت فقیه محور نظام است" آزادی غیران از هم گستگی و هرج و مرچ است. آزادی چارچوب میخواهد. ما آزادی رادر چارچوب اسلام میخواهیم و چارچوب قانون اساسی، آزادی و قانون با هم ملزمند" ... "حتماً باید آزادیها در کشور، رعایت موازنین اسلامی را بکند زیرا اکثریت مردم ما مسلمانندو به نظام اسلامی رای دادندو حول محور رهبری، نهاد ها وارگانهای دیگر شکل میگیرند"
- ۲ نگاه کنید به نشریات مختلف متعلق به ائتلاف خاتمی از جمله روزنامه "جامعه" که یکی از مقالات آن در همین شماره نشریه کار نیز مورد اشاره و بررسی قرار گرفته است.

۳ و نگاه کنید به نامه شورای مرکزی اکثریت به خاتمی مندرج در نشریه شماره ۱۸۱ سازمان اکثریت و سایر مطالب این نشریه.

دست زدن به اقدامات خشنونت آمیز پرهیز داده و می ترسانند، از آنان میخواهند تا هرگونه فکر بر اندازی رژیم را از سر ببرون کنند، و بکار

"نقویت عناصر جمهوریت" حکومت اسلامی مشغول گردند! این ارکستر پرسرو صدا، با کمال تاسف باید گفت که گاه با صدھائی از درون نیروهای

چپ و انقلابی نیز همراهی میشود. تیازی به گفتن نیست که محوری ترین هدف این این یا آن جناح حکومتی و به کجراء کشاندن مبارزه اعراضی توده های بجان آمده و انحراف آن از مسیر انقلاب و سرنگونی است. در شرایطی

که تاکید بر جنبش و مبارزه مستقل توده ای و در راس و پیش ایشان چنین و مبارزه مستقل کارگری و شکل دهی آن به ضرورتی حیاتی و تاخیر ناپذیر مبدل شده است، مقابله با این تلاش

ها و افشا بی امان آن که تمامان در خدمت ابقاء ارتجاع اسلامی است، از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است و در همین رابطه وظائف سنتکنی

بردوش کمونیستها و نیروهای حقیقتاً انقلابی قرار دارد. این موضوع در شرایط حساس کنونی و در فضایی که شمشیرهای آخته برای قطع زبان و گردن به گردش درآمده و فرود میایند و جنگ

جناب های سیاربارا لگرفته است و تمامی موقلاتی چون محاکمه شهردار و خبرگزاریهای خارجی و برقکاری و زیر کشور اسلامی و

دریک کلام در محدود اختلافات جناحهای حکومتی محدود و متمرکز شده است و بورژوائی بین

المللی و داخلی، عاصمه ای و طریق، مشکلات، خواستها، حرکت و مبارزه کارگران را تحت الشاعر

قرار دهندو مستلها اصلی را که همان ارتجاعی بودن تمامی محور نظام هیرات است و اوست که برقوانین نظرات دارد و قانون باید مطابق موازین و احکام

شرع باشدو غیره وغیره و همین مضامین خواه از زبان خاتمی (۱) و خواه سایر دست اندکاران و طرفداران وی (۲) باره ایاره او بوضوح تکرار شده است! معهداً یک سال بعد از روزی کار آمدن

خاتمی هنوز هم وجه عمدی از فعالیت ها و تلاش یک بخش قابل توجهی از اپوزیسیون صرف این

موضوع میشود تا از خاتمی یک چهره دفاع آزادی و دمکراسی بترانش! هنوز هم کسانی بیدا میشوند تا از این طرفی، مشکلات،

از اهمیت براتی بیشتری برخوردار میگردد. از همین روزت که امروز باید بر این موضوع

تصویری دو باره کرد که هرجیرانی بخواهد همچنان اتفاقاً و سرنگونی رژیم را کاگاهانه یا غیرآکاهانه،

منحرف سازد مستثنی از اینکه بطور واقعی به چه میزان و چه کیفیتی بدآزادیهای سیاسی باور داشته باشد، ولآنکه روزی هزار بار هم خود را طوفار

آزادی و دمکراسی بخواهد، این جریان در عمل از دنیا و دمکراسی ایجاد کنند و در

اکثریت ها و مرتجلین حکومتی قلمداد کنند و در پراکنند توهم تا آنجا پیش میروند که از او می خواهند موانع فعالیت آزادانه و علی احزاب سیاسی

مخالف رژیم را نیز از میان برچیند! (۳) هر کس، ولو آنکه اقدامات سرکوب کرانه رژیم، زندان، شکنجه و اعدام مخالفین را ظرف این یک سال ندیده و نشنیده بود. اگر واقعاً اعتقادی به

آزادی و دمکراسی میداشت و حقیقتاً ریگی به کشف نمیداشت و یا نداشته باشد، قاعده ای از این

اظهارات صریح و اعترافات کافی بود تا ماهیت ضد دکراتیک هم جناح های حکومتی و مدافعان

نظم و لایت فقیه از جمله اقای رئیس جمهور و ائتلاف حامی وی، برایش روشن شده باشد. با این

همه، اپوزیسیونی که مزار و یک بندرمنی و نامی منافعش را با حفظ نظام حاکم گزدھاست،

بازهم در ضرورت افشاء و . . .

جدی قرار داده بود. جریان دوم خرداد، دوراندیش ترین جریانهای حکومتی را به هوش آورد. اکنون

حکومت برای دوام و بقا خود میباشد شیوه دیگری پیشه میکرد. اقتدار حکومت بزعم آقای خاتمی که هیچگاه نگرانی خود را از سرنوشت دین، پنهان نکرده است، اکنون نه با ذروه خود کامگی

که با "توسعه سیاسی" تامین میشد. با وجود آنکه خاتمی که از همان نخستین لحظات و روزهای تدارک و تبلیغ برای جلوس برخت

ریاست جمهوری، برغم سخنان گلگ و پرا بهامی که در هر زمینه ای ایجاد می شود، در این مورد به صراحت گفته بود و گفته است که هدف مرکزی ایشان و دولت اسلامی شان، اقتدار بخشین به

حکومت اسلامی است! با وجود آنکه "توسعه سیاسی" ایشان که وسیله ای بوده است برای برخوردار ندیشند ها در چارچار

چوب ضوابط و معیارهای کاس اسلام و قانون اساسی مشخص کرده است ترجمه و معنی میشود آزادی اندیشه و بیان، به عدم اخلال در مبانی اسلام محدود و مشروط میگردد و بالاخره مردم هم موظف و

معتمد به حرکت در چار چوب موازین و ارزشها و احکام اسلامی می شده اند!

با وجود آنکه مستترانه "تاكید شده که در جمهوری اسلامی محور نظام هیرات است و اوست که برقوانین نظرات دارد و قانون باید مطابق موازین و احکام

شرع باشدو غیره وغیره و همین مضامین خواه از زبان خاتمی (۱) و خواه سایر دست اندکاران و طرفداران وی (۲) باره ایاره او بوضوح تکرار شده است! معهداً یک سال بعد از این طرفی، مشکلات، خواستها، حرکت و مبارزه کارگران را تحت الشاعر

قرار دهندو مستلها اصلی را که همان ارتجاعی بودن تلخی میشوند تا از خاتمی یک چهره دفاع

آزادی و دمکراسی بترانش! هنوز هم کسانی بیدا میشوند تا از این طرفی، مشکلات،

از اهمیت براتی بیشتری برخوردار میگردد. از همین روزت که امروز باید بر این موضوع

تصویری دو باره کرد که هرجیرانی بخواهد همچنان اتفاقاً و سرنگونی رژیم را کاگاهانه یا غیرآکاهانه،

منحرف سازد مستثنی از اینکه بطور واقعی به چه میزان و چه کیفیتی بدآزادیهای سیاسی باور داشته باشد، ولآنکه روزی هزار بار هم خود را طوفار

آزادی و دمکراسی ایجاد کنند و در

اکثریت ها و مرتجلین حکومتی قلمداد کنند و در پراکنند توهم تا آنجا پیش میروند که از او می خواهند موانع فعالیت آزادانه و علی احزاب سیاسی

مخالف رژیم را نیز از میان برچیند! (۳) هر کس، ولو آنکه اقدامات سرکوب کرانه رژیم،

زندان، شکنجه و اعدام مخالفین را ظرف این یک سال ندیده و نشنیده بود. اگر واقعاً اعتقادی به

آزادی و دمکراسی میداشت و حقیقتاً ریگی به کشف نمیداشت و یا نداشته باشد، قاعده ای از این

اظهارات صریح و اعترافات کافی بود تا ماهیت ضد دکراتیک هم جناح های حکومتی و مدافعان

نظم و لایت فقیه از جمله اقای رئیس جمهور و ائتلاف حامی وی، برایش روشن شده باشد. با این

همه، اپوزیسیونی که مزار و یک بندرمنی و نامی منافعش را با حفظ نظام حاکم گزدھاست،

اندیشی پیشتری در فکر نجات حکومت دینی بر آمده‌اندو آستین هارا برای دولام و بقا این نظام بالا زده‌اند. با اینهمه جالب اینجاست که همین جناب نویسنده‌ی ستون "پامسیولیت سردبیر" روزنامه جامعه، که البته در کلیت خود طرز فکر و دیدگاه گراش جریان خاتمی را نامایندگی میکند و خود اطمینان ندارد که جناح قادر تند حاکمیت چنین تصایحی گوش فرا دهد و عمق این دلسوزیها را درک کند و قدر شناس آن باشد و خلاصه به از تضمین دوام و بقای نظام اسلامی، به "تنشی" در صحنه رضایت دهد، در پایان مقاله خود یک بار دیگر ضمن تعریف جایگاه روزنامه جامعه‌ذکر دعاوی آن، تردید خود را از اینکه این اندرزها و چاره جوئی‌ها بجائی برسد چنین بیان میدارد.

"جامعه این مدعما را دارد که خواسته است با جامعه باشد . . . و با حاکمیت و برای او . فهم این فقره اخیر اما مشکل است. چگونه میتوان با مجروح کردن کسی از او دفاع کرد؟ چگونه می‌توان با خبر دادن از تشنج های موجود در نظام واژعمر برو کشیدن‌ان، بسوی آرامش و تقاضم حرکت کرد؟ چگونه میتوان با انتقاد، اعتقاد را تقویت کرد؟" (همان)

و سؤال کننده‌البتدیمان زیادی نمیرد که بدنبال درج مطالبی راجع به فرمانده سپاه و شکایت وی، پس از حضور در دادگاه اسلامی و همانطور که شاهد بودیم برغم آنکه در آنجاهم از حسن نیت و خدمتش به حکومت اسلامی صحبت کردو چنین اظهار نمود که "گفتگوی ما با برادر صفوفی گفتگوی درون خانگی است" و "(روزنامه) جامعه دوست‌سپاه و در کنار آن است"، در مکومیت شجرم نشراک‌اذیب و تشویش اذهان عمومی و لغو امتیاز جامعه محرومیت یک‌ساله از گرفتن امتیاز جدید، پاسخ خود را دریافت میکند و بین سان رژیم و لایت فقیه و آنان که دست بالا را درین رژیم دارند، به این حضرات و قبل از آن به آن دسته از جریاناتی که در حمایت و از قلای اینها کام میزند بکاره‌یگر میفهماند که نظام اسلامی ظرفیت شنیدن این حرفاها و انتقادهارا ندارد، که اگر کسی ولو از روی خیرخواهی و بقصد کاهش تشنج های موجود در نظام و تامین آرامش و یا حتی به منظور مدعاویش، جراحی و لو بسیار مختصرهم بآن و "حریم مقدس" آن وارد سازد، بایستی درانتظار چنگ و دندان استبداد حاکم باشد. حکومت اسلامی همین است که هست. اینرا همانطور که خامنه‌ای هم در بیدار اخیرش با مسئولین قوه قضائیه و در دفاع از یزدی و اقدامات وی بیان نمود همه باید بفهمند!! حقیقت آنست که در چار چوب حکومت اسلامی هیگونه بخشی از آزادی و دمکراسی و اینکه فرد و جنابی از رژیم دفاع دمکراسی و آزادی های سیاسی باشد و یا بخواهد به توده مردم آزادی بدهد و حقوق دمکراتیک اقتشار مختلف‌گارگران گرفته تازنان و جوانان و سایر اقتشار جامعه را برسمیت بشناسد، درمیان نیست اگر بحثی هست.

های طرفدار سرنگونی و در لابلای آن به توضیح و ضعیت کنونی پرداخته و از تعارضات درونی و اعمال فشار بیش از حد رژیم بر مردم و بازتاب مقابله این فشارها (بخوان مبارزه اعتراضی رو به گسترش توده های کارگر و زحمتکش) نام می‌بردو خلاصه رسالت خاتمی و حامیان وی را تحت عنوان جریانی که پس از دوم خرداد در صحنه سیاسی حضور یافته است، درین میداند تا با تعارض زنای از سیستم و ایجاد نهادهای واسطی چون مطبوعات (یا بفرض احزاب و تشکل های فرمایشی)، اجازه شود از درجه فشار بر مردم _ و در همان حال از خطر عکس العمل و باز تاب مقابله این فشارها _ اندکی کاسته شود، تا سرانجام از این طریق مشکلات رژیم حل و فصل گردد، دولت و بقای جمهوری اسلامی تضمین شود و پرچم حکومت دینی برافراشتند! در ادامه برنقش و جایگاه روزنامه جامعه، اینگونه صراحت می‌بیخشند.

"جامعه در جهت برقراری دیالوگ میان عموم عناصر سیاسی با یکیگر بامرد و با دولت قم بر میارند و بجالی اخفا مشکلات در دفینه های خطر خیز، به اظهار آن و طلب راه حل برای آن میپردازد" بنابراین "ارزوی سرنگونی و خل菊 کامل حکومت اسلامی را به استانه محقق میکشد . . . جامعه بعنوان جز کوچکی از نهضت دوم خرداد، بدنبال آن است که حاکمیت را به جستجوی پیچیده و ساختاری منافع خود و اورا مقاعده کند که بر خورد های غریزی با قضایا در دراز مدت به منفعت او نیست. اگر چنین تلاشی توفیق یابد، علیرغم تنشی که در ظاهر ایجاد میکند، دولت و قوام نظام را بیشتر میکند" (همانجا)

اینها در واقعیت امن، بیان فشرده خواسته و هدف ائتلاف حامی خاتمی و جوهر رسالتی است که آنان از جریان خاتمی انتظار دارند و حقیقتاً "کا انقدر صریح و آشکارا زبان روزنامه جامعه بیان شده است که دیگر جائی برای توضیح و تفسیر باقی نمیگذارد! حاکمیت جمهوری اسلامی اکنون باید بفهمد و مقاعده شود که در بر خورد با مسائل و مشکلات موجود نباید بشیوه گذشته عمل کند. از اعمال فشار و سرکوب فزون از حد بمردم، تا وضعیت به افجار کشیده نشده است بایستی بکاهد، درجه‌گذتان رالدکی کاهش دهد و بگذارد حد اقل طرفداران نظام نفسی بکشند، اجازه دهد چند روزنامه و نشریه انتشار یابد و انتقادهای هم مطرح کنند. اینها همه از رودروری مردم با نظام خواهد کاست، اینها همه به نفع حاکمیت و در راستای تامین "منافع ساختاری" آن است. شیوه های گذشته نه فقط کارساز نیست و منفعتی برای نظام دریبی ندارد، چه بسازند های سیاسی رابه مجاری "خطر خیزی" نیزه‌هایت میکند. دولت و قوام نظام نه در تداوم شیوه های گذشته، که در گرو درک وضعیت جدید و اتخاذ این روشها است و لو آنکه "تنشی" هم در پی داشته باشد! اینهاست نمونه های تیبکی از نصایح از روی حسن نیت دل سوزان نظام و کسانی که با دور

(جامعه باز و دشمنانش)

با روزنامه جامعه را نیز تشریح نموده است. در هر حال اینکه انگیزه هایی در پیش انتخاب این تیتر نهفته است یا نه یا اینکه این تقسیم بندی به چه منظور صورت گرفته و تا چه میزان واقعی هست یا نیست، در اینجا مورد بحث ما نیست. انگیزه‌ماز پرداختن به این مقاله روزنامه جامعه استنادی مطالب آن هماناروشن ساختن نقش و جایگاه این روزنامه درستگاه حکومت اسلامی، نه فقط این روزنامه و گردانندگان آن، که کل حامیان و جریان خاتمی است. چرا که گردانندگان "جامعه" در جریان بر شماری "دشمنان" این روزنامه و ارائه توضیحات مربوطه، با وضوح شکر و صراحت کم سابقه ای اهداف اصلی این برنقش و جایگاه روزنامه جامعه، اینگونه صراحت درشتایی که پاره‌ای جریانات از بیرون حکومت در شرایطی که پاره‌ای جریانات از بیرون حکومت اسلامی و حتی اپوزیسیون، سعی دارند نیروهای متتشکل در ائتلاف حامی خاتمی همچنین شخص رئیس جمهور اطرافدار آزادی و دمکراسی جاگزند، از این جنیه که کنه خواسته‌ها تمایلات این ائتلاف را همچنین رسالت قائل شده برای خاتمی و در نهایت نقش و هدف اورا که بر راس این ائتلاف قرار گرفته است برزبان آورده و بطور فشرده فرمول بندی کرده است، مقاله بسیار قابل توجهی لست که مادرهمین جا فرسترا غنیمت شمرده مطالعه آن را به همه کسانی که هنوز در مورد نیروهای متتشکل حامی خاتمی، اهداف و برنامه های دولت او دیدروشی ندارند یا به توهم آورده اند، توصیه میکنیم.

نویسنده مقاله یادشده، در توضیح انگیزه یکسته از "دشمنان" روزنامه "جامعه" یعنی "نیروهای معاندی" که خواهان "سرنگونی پرچم حکومت دینی" اند، چنین اشاره میکند که "این نیروهایگان میکنند که این سیستم (مقصود حکومت اسلامی است) بواسطه تناقض ها و تعارض های درونی و ناهمسانی با سیستم بین المللی و اعمال فشار بیش از حد بر مردم و بازتاب مقابله آن از هم خواهد گستست، اما جریانی که پس از دوم خرداد در صحنه سیاسی حضور یافته (مقصود جریان خاتمی است) و فرزند کوچک آن جامعه، در بیان آن است تا از این سیستم تعارض زنای کند، با نظام بین المللی هماهنگ شود و بالجاد نهادهای واسطه چون مطبوعات در روابط مقابله دولت و ملت و فشار هایی وارد از هر کدام از این دو بردیگری را تصفیه، تعديل و هدایت کند و چون با چنین چشم اندازی تعارض های درونی و تضادهای بیرونی این نظام رو به حل و فصل خواهد گذاشت و حاکمیت ایران با ملت خود و جهان به صالحه خواهد رسید، دولت و بقای آن تضمین میشود" (روزنامه جامعه ۲۶ اردیبهشت ۷۷ تاکیدو پرانتز همه جا ز ماست). سر مقاله نویس روز نامه جامعه پس از آنکه با استفاده از شیوه انتساب پاره‌ای گمانها به نیرو

مصاحبه با نماینده

جنش انقلابی توبیاک آمارو MART در اروپا

رشته عملیات توبیاک آمارو ، رهبر رهاییبخش در دسامبر همانسال خاتمه یافت در سال ۱۹۸۸ ، کمیته مركزی سازمان ما ، دومین نشست خود را با شرکت کلیه فرماندهان و مسئولین منطقه ائی برگزار نمود. مصوبات این نشست که شامل اسناد ، اهداف نظامی ، برنامه و دیگر استاد پایه ائی بود، انتشار علنی یافت.

در فوریه سال ۱۹۸۹ ، یکی از فرماندهان نظامی ط سیاسی ما ، رولاندو ویکتور پولائی کامپوس - دستگیر شده و در آوریل همان سال ، یکی از پایگاههای سازمان ما طی یک حمله غافلگیرانه از زمین و هوا به اشغال نیروهای نظامی و امنیتی پرو درآمد. پس از ۸ ساعت نبرد قهرمانانه و تباربر و شلیک تمام گلوله ها ، ۸ نفر از رفقاء ما که قادر به شکستن حلقة محاصره دشمن نشده بودند ، به اسارت درآمدند. این رفقاء به همراه ۱۰ نفر از روزستانیانی که به رفقاء ما پناه داده بودند ، به جوخه اعدام سپرده شدند. در میان اعدام شدگان ، ۲ کودک ۹ و ۱۲ ساله نیز بودند. این نبرد عنوان آسیاب بادی گرفته و به همین مناسبت روز ۲۸ آوریل ، روز پارتبینان توبیاک آمارو نام گرفته است.

روز ۹ رویه ۱۹۹۰ ، ۴۷ نفر از رفقاء ما با خفر تونلی به طبل ۳۰۰ متر و عمق ۱۵ متر موفق به فرار از زنان مخفوق کلتورگانه شدند. طی سالهای ۱۹۹۰ تا ۱۹۹۲ سازمان ما شاهد گسترش فعالیتهای سیاسی و نظامی خود بود. به لحاظ سیاسی ، برخی از سازمانهای علنی توده ای مبارزه سیاسی خود را به ما تزدیک تر نمودند، و به لحاظ نظامی ما موفق شدیم که یکرشته از شهرهای مناطق مرکزی پرو را اشغال کرده ، تعدادی از پایگاههای دشمن را منهدم نموده و خسارات فراوانی به رژیم وارد آوریم در آوریل ۱۹۹۲ ، پرو شاهد یک کودتای نظامی بود و پس از روی کار آمدن فرماندهان ارتش ، نیروهای امنیتی و نظامی عملیات گسترده ای را برای سرکوب انقلابیون آغاز نمودند. سازمانهای علنی توده ای برای حفظ خود و اجتناب از ضربات خردکننده رژیم نظامی وادر به عقب نشینی شدند. علیرغم این عقب نشینی ، تعدادی از رهبران سازمانهای سیاسی ، اتحادیه های کارگری ، دهقانی و دانشجویی به اسارت رژیم کودتا درآمدند. این تغییرات را سازمان ما توانست به درستی ارزیلی کند. لذا ، ما بدون پشتونه توده ای به رویارویی با رژیمی شفافیتی که تمام ماشین سرکوب خود را برای مقابله و کشتار انقلابیون بسیج نموده بود. تیجه اینکه ما متهم ضربات جنی شدیم که خود را به صورت دستگیری تعدادی از مجریتین رهبران نظامی - سیاسی سازمان ما نشان داد.

به این دلیل رهبری سازمان ما با اتخاذ یکشته تصمیمات جدید در راستای حفظ مواضع سیاسی ط نظامی خود و گسترش روند انقلاب خلق ، آغاز به عقب نشینی نمود. تیجه این سیاست رشد بطیعی ما در سالهای اخیر بوده است که از یکسو به تغییر جو سیاسی پرو یاری رسانده و از سوی دیگر موجب آزادی تعدادی از رفقاء ما در سال ۱۹۹۵ کردید. همانگونه که میاندید آخرین حرکت نظامی ما در دسامبر ۱۹۹۶ انجام گرفت که طی آن سفارت ژلین در لیما ، پایتخت پرو ، در شب سال نو توسط یکی از واحد های عملیاتی سازمان ما با نام ادکار سانجز به اشغال در آمد. این مختصی از تاریخچه سازمان ما از بلو شکل گیری آن تا اکنون بود.

سؤال ۲ - استراتژی جنش انقلابی توبیاک آمارو چیست؟

چ : برنامه فوری سازمان ما ، اتحاد تمام نیروهای مردمی برای در هم شکستن دیکتاتوری و ایجاد یک فضای دموکراتیک است، که باید به آزادی زنیانیان سیاسی و Frente - رهای خلق ما بینجامد. لذا سازمان ما خواهان تقویت سازمانهای علنی توده ای و ایجاد یک جیوه سیاسی توده ائی Politica de Masas - است . در دراز مدت ، سازمان ما خواهان ایجاد جامعه ائی با مناسبات عادلانه ، آزاد و همیار میان مردم و یا به دیگر سخن یک جامعه سوسیالیستی میباشد. در این دوران امپریالیستی و جهانی شدن سرمایه ضروری است که تمام استمارشدنگان جهان ، بدون در نظر گرفتن رنگ و نژاد و ملیت ، متحدا علیه بزرگترین دشمن بشریت یعنی امپریالیسم مبارزه کنند.

سؤال ۳ - چه اشکال مبارزاتی را برای تحقق اهدافان مورد استفاده قرار میدهید؟

جنش انقلابی توبیاک آمارو که در نخستین روز سال میلادی ۱۹۹۷ با حمله به سفارت ژلین در لیما پایتخت پرو به گروگان گرفتند دهها تن از مقامات سیاسی و نظامی دولت پرو و دیپلماتهای خارجی، مدتی در صدر اخبار جهان قرار داشت، یکی از سازمانهای انقلابی فعل پرو است. به منظور آکاهی خواندنگان نشیوه کار از موضع این جریان، از جانب رفقاء ما، مصاحبه ای صورت گرفت با نمینده این سازمان در اروپا که ترجمه آن را در زیر میخوانید.

* * * *

۱- لطفاً مختصی در مورد شکل گیری جنش توبیاک آمارو توضیح دهید. سؤال

ج : جنش انقلابی توبیاک آمارو MATR یک سازمان سیاسی است که از دل خلق پرو برخاسته و شکل گرفته است . بهمین دلیل سازمان ما متشکل از مردان و زنانی است که از اشار مختلف جامعه یعنی کارگران ، دهقانان ، داشتگران ، فعالین مسیحی ، روشنگران مترقب و تمام کسانی که هدف خود را تغییر انقلابی جامعه اعلام نموده اند، به صفو آن پیوسته اند. بمثاله یک سازمان سیاسی ، ما پیشرفت ترین تفکر علمی - اجتماعی را که بشر تا کنون به آن دست یافته به کار گرفته ، و بهمین دلیل ما مارکسیسم - لینینیسم را برای تجزیه و تحلیل خلاقاله واقعیتهای پیارامون خود به کار بسته ایم . بهمین ترتیب ما مبارزه جوئی را از سرخپستان آمریکای لاتین ، مقولمت و پیگیری در میازم رازخونه گابریل کوندورکانکی توبیاک آمارو - JoseGabrielCondorcanqui Tupac Amru و میکلا باستیداس Micaela Bastidas آموخته و اینها را سمبول هویت فرهنگی و بنیانگذاران مبارزه خود می شناسیم . استعمار ، استعمار نو و امروز نویلیرالیسم یا سرمایه داری لجام کسیخته ما را تحت استیلای امپریالیسم در آورده ، لذا ما بعنوان یک سازمان ملی وظیفه خود میلایم که در روند رهایی ملی ، جنگ انقلابی خلق را برای برداشتن گامهای بعدی به سمت سوسیالیسم دامن بزیم .

در آوریل ۱۹۸۰ ، جریانات چپ پرو یک کنفرانس ملی را به دعوت PSR-MI MIR-EM برگزار نمودند. از دل لین کنفرانس ، سازمان ما ، جنش انقلابی توبیاک آمارو ، پا به عرصه وجود گذاشت . ما تا سال ۱۹۸۲ فشرده از سازماندهی سیاسی را پشت سر گذاشتیم . در سال ۱۹۸۲ ما تبلیغ مسلحه خود را با هدف ایجاد ملزومات اولیه و مادی برای آموخته نظامی رفقاء خود در پاسخ به ضرورت بکارگیری قهر انقلابی در مقابل قهر دولتی آغاز نمودیم .

در دسامبر ۱۹۸۴ ، یکی از واحد های عملیاتی سازمان ما، یک خبرنگار و فیلمبرداران همراه وی را در اعتراض به دستگیری ۱۲ نفر از رفقاء ما توسط شکنجه ها قرار داشته و هر لحظه امکان اعدام آنها بود. در همین رابطه ، سازمان ما یک جلسه مطبوعاتی برگزار نمود و با افشاء سرکوبگیریهای رژیم پرو ، خواهان آن شد که رفقاء دستگیر شد به نشانه سلامتی بر روی صفحه تلویزیون نشان داده شوند. به لین ترتیب توده های مردم و نیروهای امنیتی پرو از وجود یک سازمان سیاسی به نام جنش انقلابی توبیاک آمارو مطلع شدند. تا این زمان، سازمان ما با رعایت مخفی کاریهای لازم موفق به انجام یکرشته فعالیت سیاسی در میان فعالین کارگری و دیگر اشار خلق در شهر و روستا شده بود. همزمان با این اقدامات ، ما با برگاری کنفرانسیهای مشترک از جمله با حزب MIR-Confluencia به تلاشهاخ خود کمونیست پرو - اکثریت - و

در راستای گسترش روابط با جریانات چپ پرو ادامه دادیم . هنگامیکه در سال ۱۹۸۵ ، یکی از واحدهای چیکی کلیسا در حمله به ساختمان دادگستری این کشور توسط نیروهای امنیتی کشته و زخمی شدند ، ما به نشانه همبستگی خلق پرو با مبارزات خلق کلیسا ، تعدادی از رفقاء خود را برای شرکت در این مبارزات به صفو ارتش آمریکای کلمبیا اعزام نمودیم . در اکتبر ۱۹۸۷ ، خلق پرو از وجود جیوه چیکی شمال شرق سازمان ما ، که بمناسبت بیستمین سالروز به خاک افتادن چه گوارا دست به یکرشته عملیات سیاسی - نظامی با نام چه زنده است زده بود، مطلع شد. این عملیات با

اند. ما عمل همیستگی خود را با مبارزات تمام جیاناتی که با تولیپرالیسم مبارزه میکنند نشان داده ایم «جنبیش دهقانان بی زمین» در برزیل ، مبارزات توده ها در مکزیک و کلمبیا مبارزه ما بوده و ما در کنار توده های تحت ستم ایستاده ایم . در واقع هدف ما ایجاد روابط برادرانه است . ما کشتار همزمان خود در دیگر کشورهای جهان را محکم کرده و خلق پرو را به همیستگی با توده های تحت ستم در دیگر کشورها فرا میخوانیم . برغم سنت طولانی مبارزه در کشورهای مختلف آمریکای لاتین و دشمن مشترک ، متابفانه ما هنوز شاهد برقراری ارتباطی ارگانیک بین جنبشها توده های مردم در کشورهای مختلف این قاره نیستیم . تاریخ نشان داده که خلق ما تنها با وحدت در صفو خود توانست استعمارگران را از پرو بیرون براند و تنها اتحاد میان خلقهای آمریکای لاتین قادر خواهد بود که دست امپریالیستها را از این قاره کوتاه کند

سوال ۷- نظر شما درمورد فروپاشی اردوگاه سوسیالیستی و قایقران آن برجنبش کمونیستی چیست؟

ج : با فروپاشی بلوک سوسیالیستی ، جنبش کمونیستی ، سوسیالیستی و انقلابی در تمام جهان دچار بحران عمیقی شد. به نظر ما دلایل این بحران ریشه در ۲ عامل زیر داشت . اولاً احزاب حاکم در این کشورها توانستند به شکل اصولی اختلافات درونی خود را حل نموده ، و دوماً واپسیگی شدیدی بین سازمانهای چپ و کشورهای سوسیالیستی وجود داشت که فروپاشی یکی باعث بروز بحرانی عمیق و همه جانبیه در دیگری شد. برغم ضربات جدی ناشی از فروپاشی کشورهای سوسیالیستی ، جنبش چهانی رفتہ رفتہ خود را ترمیم می نماید. این در واقع در هم ریختن مدللهای ویژه ائم از سوسیالیسم بود که در کشورهای معینی شکل گرفته بود. در کشورهای نظیر پرو ، ما موظفیم با تجزیه و تحلیل دقیق شرایط ، مدللهایی از سوسیالیسم را انتخاب کنیم که با توجه به خودبیزگهای این شرایط ، قابل اجرا باشد. ما کمونیستها و انقلابیون موظفیم که با ارزیابی اوضاع و یافتن آترناتیو های مناسب ، با سرمایه داری لجام گسیخته که تنها هدفش محرومابودی خلق پرو است ، مبارزه کنیم .

سوال ۸- ارزیابی شما از نتایج اقدام نظامی تان در سفارت ژاپن چیست و قایقران آن را چگونه ارزیابی میکنید؟

ج : بی شک شهادت فرمانده نستور سریا و دیگر رفقاء واحد عملیاتی ادگار سانچز در حین اشغال سفارت ژاپن ، ضریبه شدیدی به جنبش انقلابی خلق پرو و سازمان ما بود. اما با این وجود هیچ خللی در عزم رفقاء ما وارد نشده و ما مصممانه به همراه خلق پرو به مبارزه علیه رژیم دیکتاتوری و برای بپائی جامعه ائم که در آن همیستی توده ها نتیجه مستقیم عدالت اجتماعی باشد، ادامه خواهیم داد. اکنون شرایط برای تحقق این خواسته بیشتر از هر زمان دیگری آماده است . عملیات واحد ادگار سانچز فضای سیاسی را بوجود آورد که توده های مردم برای اولین بار پس از ۶ سال دست به اعتصاب و مبارزه زندن. اعتراضات توده ها علیه سیاستهای تولیپرالیسم و کشتار ، گسترش یافته بدست ای از سوی توده ها «رژیم دیکتاتوری و کشتار» نام گرفته ، گسترش یافته است . تحت چنین شرایطی ، سازمان ما تقویت شده و در تمام وجود مبارزات توده ها شرکت کرده و سهم خود را در آماده سازی پیش شرطهای لازم برای درهم شکستن رژیم دیکتاتوری پرو و مدل اقتصاد سرمایه داری لجام گسیخته آن یعنی تولیپرالیسم ادا میکند.

زمانیکه توده های خلق مورد استشار و گرسنگی قرار میگیرد، حق دارند که دست به مبارزه مسلحه بزنند. دیگر تفاوتی نمیکنند که این عمل ، از سوی کسانی که این قولیان را برای حفظ موقعیت ممتاز خود وضع میکنند ، غیر اخلاقی خوانده شود. این حق خلق پرو بوده و است که برای احترام از مرگ ناشی از گرسنگی و برای جلوگیری از کشتار بهترین فرزندان خود در زندنهای مخوف رژیم دیکتاتوری فوجی موری ، اشکال رادیکالی را در مبارزه خود بکار گیرد. چرا که در پرو هیچ نشانی از احترام به حقوق بشر وجود ندارد. سازمان ما و توده های خلق متحمل ضربات زیادی شده است . تلاشی مسالمت آمیز خلق ما برای تغییر وضعیت موجود با خشونت سرکوب شده و شکاف عظیمی بین توده های مردم و رژیم وجود دارد که تنها با ویرانه های این رژیم سرکوبگر پر خواهد شد. خلق پرو خواهان برکناری رژیم کشتار است . خلق ما به پیروزی سیاسی و اخلاقی بزرگ رسیده که هیچ قابل مقایسه با بعد اشکست موقتی خود نیست . بی تردید دیر نیست روزی که قاتلین توده های مردم به دست خلق پرو به سزا اعمال جنایتکارانه خود برسند.

ج : ما استفاده از تمام اشکال مبارزاتی را که توده های خلق پرو در روند مبارزه خود برای دفاع از حقوق اولیه خود به کار گرفته ، مجاز میانیم . ما معتقدیم که تمام این اشکال مبارزاتی موثر است . بزعم ما زمانیکه توده های برای تحقیق اهداف سیاسی خود سلاح بدلست میگیرند، مبارزه نظامی تنها ادامه مبارزه سیاسی است با اشکال متفاوت . زمانیکه رژیم دیکتاتوری پرو ، خواستهای بر حق خلق را تنها با کلوله پاسخ گفته و در عین حال خود «صلاح دوست» معرفی نموده و بکارگیری سلاح از سوی توده ها را غیر اخلاقی میداند، ما خود را محق به استفاده از سلاح میانیم . زمانیکه یک رژیم دیکتاتوری مناسبات اقتصادی را که مردم با آن مخالف هستند به زور سرکوب ، زندان و قتل عام به آنها تحمیل نموده ، در این شرایط ما مجاز هستیم که از قدرت سلاح استفاده کنیم . هر چند ما هم‌مان از سلاحهای دیگری نیز در مبارزه بهره میگیریم .

سوال ۴- مختصه درمورد طبقه کارگرو تشکل های آن توضیح دهد.

ج : از زمان بکارگیری سیاستهای تولیپرالی در پرو ، طبقه کارگر متحمل ضربات شدیدی شده است هزاران نفر از رهبران اتحادیه های کارگری زنانی شده و تعادی نیز کشته و یا مفقود شده اند. اما نواستعمارگران نیز همچون سلف خود یعنی استعمارگران از آن رودچار خطأ بودندکه تصور میکردند اتحادیه های کارگری تعادی زیادی از اعضا خود را از دست داده اند. اما با این وجود ، در طول ۲۰ سال کشته ما شاهد گشتش مبارزات کارگران بوده ایم. از هنگام تشکیل «اتحادیه دستفروشان» ، که اعضا آن جنبش خلق پرو میباشند. اتحادیه های کارگری تعادی زیادی از اعضا خود را از دست داده اند. اما با این کشته های فقیر و کارگران اخراجی که برای گذران زندگی خود و خانواده خود به دستفروشی در کنار خیابانها روی میآورند ، بود ، در پرو بخش وسیعی از توده های مردم در سازمانهای گوناگون سازماندهی شده اند. این مشکلها مرزهای روش تعلق طبقاتی و درجه آگاهی توده ها را شناسان میلدهد. با این وجود ، هنوز خبری از وحدت این مشکلها نیست . در تعادی از مناطق ما شاهد یکریشه همکارها بین این مشکلها هستیم . امر ایجاد اتحاد و هماهنگی بین این مشکلها گوناگون سازماندهی شرایط دیکتاتوری عنان گسیخته رژیم پرو با دشواریهای زیادی رویرو است .

سوال ۵- رابطه شما با سایر جویانات چپ پرو چگونه است و چه تلاشهاست برای نزدیکی صورت گرفته است؟

ج : برغم اختلافات موجود ، از زمان شکل گیری جنبش انقلابی تپیک آمارو ، ما همواره آمادگی خود را برای رابطه با دیگر جویانات سوسیالیستی و چپ در پرو اعلام نموده ایم . به این ترتیب تلاش ما معطوف به ایجاد وحدت بین جنبش طبقه کارگر و جنبش دیگر اشخاص اجتماعی در پرو میباشد. ما در این راه علناً موضع خود را اعلام نموده و گفته ایم که این تنها سازمان ما نیست که وظیفه رهایی خلق پرو و مردم جهان را پیش روی خود گذاشته است . بر عکس ، ما همیشه اعلام نموده و از دیگر جویانات نیز خواسته ایم که در پیشبرد مبارزه سیاسی علیه سیاست جنایتکارانه اقتصادی رژیم پرو شرکت نمایند. ما معتقدیم و عمل نشان داده ایم که ما خواهان پیشبرد مبارزه سیاسی برای اهداف محلود عده ائم روشنفکر یا فیلسوف نیستیم . ما خواهان پیشبرد مبارزه سیاسی برای اهداف برابر ۲۲ میلیون نفر مردم پرو هستیم که تحت شرایط غیر لسانی با پیامدهای ناشی از تولیپرالیسم و دولت حافظ این سیاستها مبارزه میکنند. بنابراین رابطه ما با جویانات سوسیالیستی و چپ بر اساس برادری و همبستگی متقابل بوده و به زعم ما برادری و همیاری با دیگر جویانات چپ ، نیازی به وجود سیاستهای واحد ندارد.

سوال ۶- رابطه تپیک آمارو با سایر جویانات چپ آمریکای لاتین چگونه است؟

ج : سازمان ما روابط دوستانه ائم بر پایه احترام متقابل ، با تمام سازمانهای سیاسی در آمریکای لاتین و دیگر نقاط جهان دارد. ما در آمریکای لاتین با اغلب سازمانهای چپ ارتباط داریم . اغلب این سازمانهای علیه بوده و بهمین دلیل تصمیم در مورد علیه نمودن رابطه خود با ما به عهد آنها است . چرا که ما مایل نیستیم که سازمانهای علیه به دلیل رابطه خود با جنبش انقلابی تپیک آمارو مورد پیگرد پلیسی قرار بگیرند. برخی از این جویانات بطور علیه با ما رابطه داشته و برخی دیگر نیز بطری غیر علیه همبستگی خود را با ما حفظ کرده

گزیده ای از نامه های رسیده

رفیق (ن) عزیز! ماهم برای شما آرزوی موفقیت میکنیم
اگرکنه تفکر شما را یعنی ضرورت تلاش برای لیجاد یک
بلوک و یا انتلاف از نیروهای چپ و اقلالی، بدور از
گروهگرانیها و خود محور بینی ها، درست دریافتنه باشیم،
ما نیز خود را باشما ازین جنبه هم نظر میانیم
و در هر حال از ارسال نامه بسیار سپاسگزاریم، رابطه خودتان
را با ما حفظ کنید و باز هم برلیان نامه بنویسید.

***المان** - نشریه قاولدک (آزاده سپهی) از کلن آلمان نامه‌ای برایمان فرستاده اند که در آن به اقدامات ضدانسانی و سختگیریهای دادگاه‌های آلمان نسبت به تقاضای پناهندگی ایرانیان و بازگردانی آنان به ایران اشاره‌ای شده است. قسمت هائی از این نامه را باهم مرور مسکنم.

«چنیست که دادگاه های آلمان با استناد به نظریات انسنتیو شرق شناسی آلمان و گزارش های وزارت خارجه و اتحادیه اروپا تقاضای پنهاندگی لیرانیان را رد کرده و آنان را به ایران باز میگردانند. با روی کار آمدن خاتمی و وضعیت جلید اپوزیسیون، اوضاع پناهجویان ایرانی روز به روز وخیم تر میشود.

حکوم دو هفته پیش در رد تضادی پنهان‌گویی یک ایرانی دلیل آورده بودند که «در سه ماه اخیر، پس از جافتادن خاتمی، هیچ مورد شکنجه و اعدام... فعالین سیاسی مشاهده نشده است».

در ادامه این نامه، به جیان دادگاه اداری کالسروهه در مورد تقاضای پناهندگی یک ایرانی پرداخته شده که دادگاه مربوطه با استناد به نظرات «استیتو شرق شناسی آلمان» و «وزارت خارجه آلمان»، هرگونه تحت فشار قرار گرفتن پناهجویان دپورت شده به ایران بکلی انکار شده و کفته شده است که «یک کارشناس حقوقی امور ایران حتی بازگردانن ایرانیانی را که در جریان پناهندگی شان در آلمان به عضویت یک سازمان سیاسی دریان منوع در آمده باشند بخطر میبیند» لین دادگاه حتی تا آنجا پیش رفته است که اظهارات سازمان امنیت آلمان را در مورد فعالیت‌های اطلاع‌گذاری رژیم زیر سوال برده است! در خاتمه نامه بنوعی هشدار داد شده است که «چنانچه اوضاع چنین پیش برود، بزویدی ایران جزء کشورهای امن اعلام خواهد شد» و سپس گفته شده است که «برای جلو گیری ازین روند، اعتراض گسترده احزاب و سازمانهای سیاسی ضروریست» روش است که دادگاههای آلمان تابع منافع سیاسی و اقتصادی سرمایه داران و دولت آلمان است. روابط دول امپریالیستی با جمهوری اسلامی که بعنوان حکومتی ارتقا یافته و سرکوبگر زبانزد خاص و عام است، همانطور که تاکنون هم مشاهده و ثابت شده است، تابع همین موضوع است. اگرین منافع ایجاد کند، آنان هیچ شرمی بخود راه نمییابند حقیق را وارونه سازند آشکارا دروغ بگویند و نامنی مخالفان رژیم را انکار کنند و در ازاء معاملات پرسود، آنان را عوعد که اما شاهد این معامله ننگین باشند آن به مقابله بزنند و آنرا محکم نکنند؟

***باژیک** - رفیق عزیز (ش-خ)، نامه محبت آمیز شما پست‌مان رسید. ضمن تشکر، آدرس جلید شما در اختیار انتشارات سازمان قرار گرفت. شریه کار از شماره ۳۰۸ بسیار پسندید. ضمن ارسال شده است. در ضمن مبلغ ۲۰۰ فرانک ارسالی هم دریافت شد. در اینجا با آبونه نشریه کار، نامه جداگانه ای بریتان ارسال می‌شود. بازهم برای ما نامه بنویسید.

شناسی هم میهانمان و همکارانمان متکی کنیم و اگر جز این باشد عموماً غیری کرده ایم اگرچه صداقت نیز مثل همه چیز دیگر طبقاتی میباشد تا صادقانه از آنودگاهها و خود محور بینی و تنگ نظرهای کاشته و حال دست برندازیم و به دیگران این فرصت را ندهیم که خویش را با نقاط ضعف و قوتشان شان بدنهند در واقع اگر لیاقت ارقانه داشته باشند ترقی کنند به کمترین پیروزی نائل نخواهیم گردید «درواقع تاریخ جز نتیجه مبارزه طبقاتی نیست اگر چنین است پس باید در این صورت از تاریخ و سازندگانش بیاموزیم. در حال حاضر که دیگر اردوگاهی وجود ندارد که بین آن دسته از سازمانها که اقلابی هستند و نه رفومیست یا غیر کارگری فاصله ایجاد کند دیگر چیزی وجود ندارد و یا آلبانی پس حلاچه شده که نمیتوانیم برگرد یک برنامه جمع شویم. اما همانگونه که شاهدش هستیم حتی بعد از فروپاشی شوروی واردوگاهش نیز کماکان اختلاف نه اینکه از میان نرفت حتی کم هم نشد آیا این ضعف تعریک است یا تنگ نظری و عقب ماندگی بعضی از سازمانهای رنگارانگ خوده بورژوازی. نه آنکه از سازمانها و گروهها که تا آخرین لحظات که گراچه خویش را منحل اعلام میکرد هنوز از کمونیست بودن شوروی حتی یک سانتی متر عقب نمی آمدند... من اینطور کرته ام که اقلابیون کمونیست فرصت طلب نیستند بلکه در زمان آرامش نیز سخت در تلاش هستند که زمینه را جهت بازورگدن و مهیا کردن انقلاب فراهم سازند خواه از طریق کارگمعی یا کار تدارکاتی و یا کار تئوریکی و تبلیغاتی که روشن فکران ما کم نبودند که جان خویش را در این راه مقدس داده اند اما احصال آن همه جافشانی، اعدام، شکنجه و زندان و محروم شدن از کار و زندگی چه و که نصیبیش را برده به نظر من که آنکه تشکیلات واستراتژی داشت و فرصت طلبانه مثل بعثت برموج جنبش سوار گردید. البته من بنبال انقلاب شرطی نبوده ام هر انقلابی افت و خیزهای خودش را دارد فقیان پلیده ای مثل حزب و تشکیلات انقلابی که سنتز شد از تجارب گذشته باشد در عرصه جامعه خودش را بوضوح جلو گر میسازد و فقدان این ناهمانگی در کجاست و ریشه آن چیست و علت آن در کجاست... اگر جنبش شکست بخورد از آن روی میباشد که عامل ذهنی از جملان درستی پیروی نکرده و در مقابل تاریخ نیز سرافکنده خواهیم بود چرا که همه ملت ایران و سازمانها و حزب و گروهها تجارت تلغی خیانت حزب توده و بعد از آن اکثریت را به چشم دیدیم دیگر برای انجام عمل انقلابی که همانا بایجاد یک حزب و یا سازمانی که قادر باشیم در جهت براندازی رژیم و به قدرت رساندن کارگران مهیا سازد شانه خالی میکیم و بطور کلی اگر نه تمام و کمال بخش عمد شکست و عاقویش به گردن روش فکران میباشد...»

و پلاخره رفیق نویسنده در انتهای نامه خود مینویسد: «دربیان برای شما بهترین آزوی بهروزی و پیروزی را خواهیم باید بخشید که اگر بدخل است من اویین بار است که برای سازمانی درد دل کرده ام خلاصه من ۵۴ سال از عمرم گذشته است چقدر علاقه مندهست... این آخر عمری ببین و با بشنویم که چپ انقلابی اوین حرکت را درجهت وحدت برداشتته. کارل مارکس: «دشوارترین کاربرای طبقه کارگر آن است که سازمانی انقلابی بوجود آورد که همظار عظمت وظیفه تاریخی اش اشای...»

۱۵- رفیق کارگری از کانادا نامه بانلو پرشوری برایمان ارسال کرده است. درنامه این رفیق کارگر مسائل و موضوعات متعددی که به جنبش انقلابی ایران وامر مبارزه طبقه کارگر ربط پیدا میکند مطرح شده است. دراین نامه، ضمن طرح انتقادی نسبت به پراکنده کاریها و پیراکنگی نیروهای انقلابی و مدافعین منافع طبقه کارگر، بمنظور تامین عامل ذهنی انقلاب، برضورت برطرف ساختن مشکلات و موانعی که فراراه اتحاد مارکسیست - نینیست ها وجود دارد همچنین اشکال دیگری از اتحاد حول یک برنامه عمل، تاکیدات ویژه ای شده است. خلاصه آنکه نامه این رفیق کارگر، قبل از هرچیز شناخته شده احساس مستویلت این رفیق در قبال جنبش انقلابی ایران و سرزنش آن است. متن اسفانه بعلت محبویت سترن «گزیده ای از نامه های رسیده» نمیتوانیم این نامه را بطور کامل چاپ کنیم و فقط به درج قسمت های ازان اکتفا میکنیم.

«با سلام به رفقای عزیز. امید است که خوب باشید. و مانیز از راه دور پیوسته برایتان نهایت آرزوای بهروزی داریم.

غرض از مزاحمت این است که به توام در حلوت توان در خدمت انقلاب باشم بدان خاطر که بیشتر عمرم را دراین راه گذرانده ام. من سعی خواهم کرد که برایتان نامه بنویسم اما من این نامه را چندمها پیش نوشتم که نشریه شمارا دریافت کردم و در پایان نیز کمی بدان اضافه کردم اما علاقه مند هستم که بمن کمک کنید تا در آینده بهتر توام کار کنم.

من اخیراً از طریق رفیقی با احسان نشیره شما را دریافت میکنم که باعث گردیده لین امیلواری درمن ایجاد گردد که بعضی از اسازمانها کم کم دارند به تصوری انقلاب و ضرورت اتحاد با سایرین نظریک میشنوند زیرا بدلن تصوری انقلابی جنبش انقلابی ممکن نیست. وهمین انجیگه مرا ادار گردانید که چند صفحه برایتان بنویسم شاید یادآوری باشد تا خود را از هر لحظه ممکن ارتقاء داده باشم که گذشته چراغ راه آینده باشد. اما بشترطی که از گذشته درسهای لازم را گرفته باشیم البته هر کسی که حرکت میکند امکان خطای نیز کم و پیش خواهد داشت. اما گویا که جنبش چپ ایران هنوز از آن تاخوشی گشته سلامتی خود را باز نیافرته است چرا که آثارش هنوز همه را زجر میلید. پیشک یا کمی تأمل و تفکر شاید بتوانیم گوش کوچکی ازین همه نابسامانی را که بر جنبش روش فکری چپ انقلابی ایران پرتو افکنده است، مورد ارزیابی قرارداده و باید بگوییم که من یک کارگرم که تحصیلاتی اندک در حد خواندن و نوشتن دارم که سالهای بسیاریست دربردی، اولارگی والونک نشینی و کوه و بیابان گردی تا عاقبت سراز کاتانا در آورده ام اما همواره یک موضوع دهنم را آزار داده و بخود مشغول داشته که چرا انقلاب ایران با همه تلاش کارگران وزحمتکشان بپریزد روش فکران که همواره پرچم داران ایدئولوژیکی طبقه کارگر میباشد انقلابات ما به شمر نمی نشینند. آیا عیب از تصوریست، یا در پیاده کردن آن یا افزاییکه داعیه آنرا دارند. برکسی پوشیده نیست که هرگاه شرایط عینی برای انقلاب مهیا بوده و توده های میلیونی همراه کارگران وزحمتکشان توائسه است تا یکنامی پیروزی نزدیک شوند در آن لحظه سرنوشت ساز در اثر فتنان عامل ذهنی که همانا روشنفکران البته نه عموماً و حزب طبقه که بتواند جنبش عظیمی را رهبری گرداند شکست خورده ایم بخصوص فتنان عامل ذهنی در مقطع سال ۵۷ رفت از این وضع لازم است که خود را به حس وظیفه

اطلاعیه

تظاهرات هزاران تن از مردم شهرک مسعودیه

در پی زورگوئی‌ها و اقدامات سرکوبگرانه مأموران شهرداری برای ویران کردن سرپناه زحمتکشان شهرک مسعودیه واقع در جنوب شرقی تهران، و ایجاد مانع برسره راه ایجاد سرپناه، روز دوشنبه ۱۵ تیرماه هزاران تن از مردم این شهرک، در خیابان کله دست به تظاهرات زدند. نیروهای سرکوبگر دولتی به مقابله با مردم برخاستند. مردم خشمگین با سردادن شعارهای علیه سران حکومت و شهردار تهران، به مراکز و مؤسسات دولتی حمله کردند و با سنگ و چوب شهرداری، بانک تجارت و صادرات را درهم کیبیدند. درنتیجه حملات وحشیانه نیروهای سرکوبگر دولتی به مردم، تعنادی زخمی و تعنادی دستگیر شدند.

سازمان فدائیان (اقلیت) اقدامات سرکوبگرانه دولت را علیه مردم زحمتکش شهرک مسعودیه شیلیانا محکوم میکند و خواهان آزادی فوری و بی قید و شرط دستگیر شدگان است.

سازمان فدائیان (اقلیت)
۱۳۷۷/۴/۱۶

قداوم نقض حقوق کارگران در جهان

پیرامون برگزاری اجلاس سالانه بین المللی کار

- تهدید به مرگ ۲۹۰ تن از فعالین کارگری
- سرکوب ۴۵۰ اعتصاب کارگری توسط نیروهای پلیس
- نقض حق تشکل و سرکوب اعتصابات کارگران با دلالت مستقیم دولت در بیش از ۸۰ کشور جهان.
- اشتغال بیش از ۲۵۰ میلیون کودک در سراسر جهان و شرایط طاقت فرسانی که آنها در قعر معادن، کوره پز خانه ها با آن دست وینچه نرم میکنند، یکی دیگر از موارد بحث اجلاس سالانه . . . بود. لازم به ذکر است که استشار وحشیانه کودکان در سرتاسر جهان، یکی از موضوعات مورد توجه سازمانها و ارکانهای مدافعان حقوق کودکان طی سال گذشته بوده است. از همین رو برخی از اتحادیه های کارگری جهان در مقابل فشارهای فوق، مجبور به برآورانداختن کارزارهای تبلیغی علیه کار کودکان بوده اند. البته شایان ذکر است که به دلیل تسلط سیاستهای راست در اغلب اتحادیه ها، این نهادها خواستار لغو و پرستی شناختن حق تشکل کارگران، هنوز در اغلب کشورهای جهان شاهد مبارزه کارگران برای حق تشکل هستیم. اکنون با جهانی شدن سرمایه داری و تشدید طولی از موارد تعقیب و بازداشت، اخراج، سرکوب و قتل کارگران در بیش از ۱۱۴ کشور جهان ارائه شده است. درین گزارش از جمله آمده است: «۵۰ سال پس از تصویب کنوانسیون سازمان بین المللی کار مبنی بر پرستی شناختن حق تشکل کارگران، هنوز در اغلب کشورهای جهان شاهد مبارزه کارگران برای حق تشکل هستیم. اکنون با جهانی شدن سرمایه داری و تشدید روابط بین سرمایه داران، تضییع حقوق صنفی کارگران یکی از موثرترین راههای کاهش هزینه تولیدوافزایش قدرت روابط سرمایه داران است. درهیین رابطه میتوان به سیاستهای آشکارا ضد کارگری دولت استرالیا اشاره کرد که با آموزش سربازان گارد ویژه ارتش به عنوان اعتصاب شکن، به منظور کاهش نفوذ اتحادیه کارگران بنادر، در اختلافات میان کارگران و شرکت Patrick در دلالت کرده است. میتوان به این تضییع حقوق صنفی کارگران اشاره کرد که با آموزش سربازان گارد ویژه ارتش به عنوان اعتصاب شکن، به منظور کاهش نفوذ اتحادیه کارگران بنادر، در اختلافات میان کارگران و شرکت Patrick در دلالت کرده است.»

تحت تاثیر چنین فضایی، اجلاس ILO به بحث حل کار

کودکان پرداخت و نتیجتاً کشورهای عضو را به یافتن مکالیسم کنترل و نظرات بر مفاد مصوبه در زمینه کار کودکان، دعوت نمود. از مصوبات قابل ذکر درین مورد، میتوان به لعقاد فراردادی اشاره نمود که در آن کارآجری و سخت من نوع گشته است. با این توضیح که شدت و حدت کار از سوی دولتها، قبل تفسیر میباشد.

از سایر نکات مطرحه در هشتاد و ششین کنوانسیون ILO محکومیت دول میانساروسودان بخاطر نقض حقوق اولیه کارگران درزمینه کار کودکان، دعوت نمود. از مصوبات قابل ذکر درین مورد، میتوان به لعقاد فراردادی اشاره نمود که در آن کارآجری و سخت من نوع گشته است. با این توضیح که از موارد، بکار گماردن اجرای زندیان در کشورهای آمریکا و کانادا و نقض حقوق آنان بود.

علاوه بر موارد فوق، اشارات و تذکرات متعدد درکنوانسیون ILO مبنی بر رعایت مصوبات و قوانین، احترام به معیارهای آشکار حقوق کارگران در سراسر جهان است.

گزینه ای از نامه های رسیده

* دانمارک - رفیق عزیز (م-ح-د) نامه شما همراه با سه برگی که ضمیمه کرده بودید بستمان رسید. این نامه برای رسیدگی در اختیار تشکیلات خارج کشورسازمان قرار گرفت.

* آمریکا - دوست عزیزی بنام رسول نامه ای برایمان فرستاده اند که در آن به جلس ۱۵ ساله خود در جمهوری اسلامی ایران اشاره کرده اند، و خواسته اند تا نسبت به خط مشی سازمان و تحولات لین دوره اطلاعاتی بدست آورند. این نامه و آدرس ایشان در اختیار تشکیلات خارج کشور سازمان قرار گرفت تا در مورد آن تصمیم گرفته شود.

* سوئد - نامه ای با امضاء «هیئت موقت هماهنگی شبکه همبستگی با جنبش کارگری ایران» برایمان فرستاده شده است. درین نامه چنین عنوان شده است که «بنبال تلاشهای چندماهه شماری از فعالیت منفرد و مشکل چپ ایرانی در استکلام، تشکلی بنام (شبکه همبستگی با جنبش کارگری ایران) پایه کارگری شده است!» همراه این نامه، اساسنامه این تشکل و همچنین بیانیه اعلام موجودیت آن نیز ارسال شده است. درین بیانیه از جمله آمده است: «مبارزات و خیزشی‌های اعتراضی طبقه کارگر ایران علیه رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی نیازمند حمایت و پشتیبانی، درسطح بین المللی است. وظیفه انعکاس اخبار مبارزات و خیزشی‌های انتقامی کارگران ایران، تلاش به منظور کسب پشتیبانی افکار عمومی، در پیشایش آن حمایت اتحادیه های کارگری و سازمانهای چپ و مدافعان طبقه کارگر، به عهده همه ما کارگران تبعیین، مدافعين منفرد و مشکل جنبش کارگری ایران است. . .» بیانیه همچنین اعلام داشته است که این تشکل هدف خود را جلب حمایت های مردمی و کارگران و تشکل های آنها درسطح بین المللی از مبارزات و خواستهای کارگران ایران است و درین راستا انعکاس وضعیت کار و زندگی طاقت فرسای کارگران ایران، اخبار مبارزات آنها، افشاء ماهیت و عملکرد های ضد کارگری رژیم اسلامی و نهادهای ولیسته به آن از جمله سوراهای اسلامی و خانه کارگر درنیزه افکار عمومی و مجتمع بین المللی را در زمرة وظائف خود قرار داده است. شکی نیست که حمایت و پشتیبانی از کارگران ایران و مبارزات آنها علیه رژیم جمهوری اسلامی، بیویژه در شرایط و لحظه کوتی، از اهمیت سیاری زیادی برخوردار است. درین راه نیروهای چپ و انتقامی و مدافعین جنبش کارگری هرچقدر هم فعالیت کنند، باز هم کم است. هرگونه تلاش و فعالیت جنی درین راستا و از جانب این نیروها در خور تقلیر و حمایت است.

بعثت تراکم مطالب ادامه مقاله

قاریخ مختصر جنبش بین المللی
درشماره آتی نشریه کار درج میگردد

- قتل ۲۹۹ تن از فعالین کارگری که از این عده ۱۵۶ تن در کلیسا توسط جوخه های مرگ به قتل رسیده اند.
- ضرب و شتم و آزار ۱۶۸۱ تن از فعالین کارگری
- بازداشت و اخراج ۲۴۰۰ تن از فعالین کارگری
- اخراج قریب به ۵ هزار کارگر تنهایه صرف شرکت در اعتصابات.

که درآمدهای آنان به حسب نصف درآمد متوسط فردی این کشورها محلبیه شده است تالیف این گزارش به وضوح این نظریه بورژوایی را که سطح زندگی زحمتکشان با بازنوزع ثروت ها از بالا به پلین افزایش می یابد عملابی پلیه می کند. این که شریط مشابه تالیف همگون را در نقاط مختلف جهان بیار می آورد ثابت می کند که وجود دو قطب فقر و ثروت، برآمده از نظام پوسیده سرمایه داریست و نه سیاست های بد اقتصادی این یا آن دولت که توسط دسته های گوناگون بورژوازی پس از ورشکستگی یکی دیگر از جناح های بورژوازی بعنوان توجیه و بهانه می شوند. وقطی بودن جامعه ریشه در منسات سرمایه داری دارد. یکی از تالیف گزارش سازمان ملل متعدد نشان از فقرشن طبقه کارگر کشورهای اروپای شرقی و شوروی سبلق در طی ده سال اخیر دارد. در این کشورها پس از استقرار دویاره «بازار آزاد» و مالکیت خصوصی بر وسائل تولید دوه اختلاف طبقاتی لایقطع رف ت می شود. در همین کشورها تعداد کسانی که زیر خط فقر زندگی می کنند در عرض ده سال سی برابر شده است. تعداد آنان در سال های ۱۹۸۷-۸۸ چهار میلیون بود که هم اکنون صد و بیست میلیون است. در واقع یک چهارم جمعیت این منطقه از جهان زیر خط فقر هستند و از سوی دیگر متوسط عمر نیز در این کشورها پنج سال کمتر شد است.

گزارش سازمان ملل متعدد نشان می دهد که قدرت های بزرگ اقتصادی سالی پانصد میلیارد دلار از قبیل پلین آوردن ارزش کلاهای کشورهای فقیر و نیز حفظ یا افزایش نرخ بهره ها به چنگ می آورند. بهای واقعی کلاهای صادراتی کشورهای کشورهای فقیر ۴۵٪ کمتر از سال ۱۹۸۰ و حتی ۱۰٪ کمتر از سال ۱۹۲۲ است.

مارکس و انگلیس ۱۵۰ سال نشان دادند که تراکم سرمایه در دست اقلیتی ناچیز بدون شک جوامع را دوقطبی می کند و توده ی بزرگی از کارگران و زحمتکشان هر روز قبیرتر می شوند. این مسئله با تشیید جهانی شدن تولید در دو دهه اخیر تالیف فاجعه بار خود را بیش از پیش در مقابل چشم همه گان قرار داده است. به علاوه ثروت ها بیش از همیشه در چنگ صاحبان شرکت های فرامیلتی متراکم می شوند و در اینجا صحت نظرات نین که مرحله پیلانی سرمایه داری یعنی امپرالیسم را کشف نمود نیز در اذهان ظاهر می شود. گزارش می گویند که در میان ۱۰۰ واحد بسیار عظیم اقتصادی عدد به دولت ها و ۵۰ تای دیگر به شرکت های بسیار بزرگ تعلق دارند. این شرکت های بسیار بزرگ در مسابقه ای وحشیانه بیلکیگر درگیرند و از تمامی امکانات برای کاهش مخارج تولید از جمله حذف میلیون ها شغل، جایگزین کارخانه ها و مستحکم «کار ارزان» استفاده می کنند.

آقای ژولی که هدیت این گزارش را به عهده داشته است در جلیلی می نویسد که «آهسته شدن خطناک» مبارزه با فقر در سطح جهان و افزایش نابرابری های اجتماعی می تواند به قیام های اجتماعی و «بی ثباتی سیاسی» بیانجامند. ایشان بین تنی ترتیب به بورژوازی جهانی هشدار می دهند. از سوی دیگر آقای ژولی و هسکاران دیگوش اعتراف می کنند که برای «کاهش فقر» راه حلی نثارند و مشارک خود را این چنین پلین می دهند که «تصمیم گیرنده گان سیاسی بیلی از سیاست رشد ناگهانی پرهیز کنند چرا که این روش نابرابری درآمدها را بیشتر می کند». اما بیلی گفت که تا هنگامی که شرکت های بزرگ امپرالیستی زندگی اقتصادی را کنترل می کنند، تا زمانی که دولت های گوناگون برای جذب سرمایه های فرامالی برنامه های اجتماعی را بیش از پیش مثله می کنند رئیاهای آقای ژولی و همکارانش به واقعیت نخواهند پیوست. در طی ده سال گذشته متفاعن سرمایه داری مکرر ادعای کرده اند که فروپاشی کشورهای بلوک شرق دلیل پیروزی نهیلی بازار و آغاز دوران رونق دیگری است. گزارش سازمان ملل متعدد در این زمینه بسیار روشن است: «کاهش مخارج تسليحاتی پس از پلین جنگ سرد می توانست فرستی بزرگ برای افزایش تأمین اجتماعی باشد ولی به نظر می رسد که سود طلبی و کاهش خدمات اجتماعی ترجیح داده شده است...».

لين هشتمن گزارش سازمان ملل متعدد در مورد «توسعه منابع انسانی» از سال ۱۹۹۰ است. هر کدام از لين گزارش ها تعديل سیاست های رشد ناگهانی و سرمایه گذاری بخشی از سودها را در مبارزه با فقر پیشنهاد کرده اند. اما در طی این هشت سال فاصله بین اقایت ثروتمند و اکبریت فقیر بیشتر و بیشتر شده است. هم اکنون یک پنجم جمعیت فقیر دنیا ۱/۱٪ درآمد کل جهانی را در اختیار دارد. لین نسبت در سال ۱۹۹۱ برای با ۱/۴٪ در سال ۱۹۶۰ مساوی با ۲/۳٪ بوده است. در همین زمان شریط زندگی کارگران و زحمتکشان کشورهای پیشرفت سرمایه داری داشتا بدتر شده و وضعیت کارگران کشورهای حلقه های ضعیف سرمایه داری مانند ایران تحمل ناپذیر و فاجعه بارتر از همیشه شده است.

کارگران جهان راهی به جز مبارزه متعدد علیه نظم پوسیده سرمایه داری نثارند، چرا که در غیر این صورت نمی توانند ثروت های را که خود آنان تولید نموده اند برای پاسخ به نیازهایشان به کار کنند. این مبارزه را نمی توان با فراخوان دادن به الگارشی مالی موجود و احزاب گوناگون بورژوازی به پیش برد. احزاب قبیعی سوییل دمکرات و احزاب

درنشریه کار شماره ۳۱۱، مقاله ای به مناسب یکصدو پنچاهمین سالگرد انتشار مانیفست حزب کمونیست اثر کارل مارکس و فریدریش انگلس درج گردید. اکنون نیز مقاله دیگری پیرامون همین موضوع به چاپ میرسد که از زایه دیگری صحت و اهیت ایده های مانیفست را مورد بحث قرار میدهد.

چرا «مانیفست» یکصد و پنجاه بار جوان قر شده است؟

صد و پنجاد سال پیش، در ماه ژانویه ۱۸۴۸، کارل مارکس «مانیفست حزب کمونیست» را به رشته تحریر درآورد. اکنون که گرد و غبار فرویاش کشورهای بلوک شرق به زمین نشسته و واقعیت های روزمره زندگی توده های کارگر و زحمتکش در پهنه جهان نادرستی «پلیان تاریخ» را که توسط سرشناس تین انبیشه پردازان بورژوازی اعلام شده بود به همه کان نشان داده، بد نیست که بدون وارد شدن به یک بحث تئوریک همه جانبه، در سطح یک نوشتہ کوتاه صحت و دورانیشی خارق العاده اثر جادوگانی مارکس را محک زین ما کمونیست ها انسان های خشی و بیطفی نیستیم. ما افتخار می کیم که در جامعه سراسر ظلم و ستم سرمایه داری مدافعان منافع طبقه تا به آخر اقلابی یعنی طبقه کارگر هستیم. چرا که امروز در پلیان هزار دوم میلادی بیز تها لین طبقه است که می تواند بساط بی عدالتی و ستم اقتصادی و هم چنین اختناق و دیکتاتوری سرمایه داری را با استقرار دیکتاتوری خود یعنی دیکتاتور پولولاریا که عالی ترین نوع دمکراسیت بر جنید. ما کمونیست ها بی طرف نیستیم ولی به آخر اقلابیکه بتوانیم باری دیگر و اجمالاً منجلابی را که سرمایه داری به وجود آورده در چند سطر شان دھیم تصمیم گرفتیم که برای نوشتہ حاضر به یکی از آخرین متابع خود سرمایه داری رجوع کنیم تا به «جهجه گیری مغضبانه» از جانب آن متهم شویم. به همین جهت چکیده کوتاهی از گزارش سالیانه «سازمان ملل متعدد» را در باره «توسعه منابع انسانی» برای نشان دادن دریلت «مانیفست» صد و پنجاد سال پیش و جوان تر از همیشه، انتخاب کردیم؛ ما لین منبع را بورژوازی نامیدیم، چرا که نقش قدرت های بزرگ امپرالیستی در درون این «سازمان بین المللی» در زمینه های کوناگون بر همه کان آشکار است و خواهیم دید که آقای ریچارد ژولی که مسویل اصلی این گزارش بوده چگونه به سرمایه داری هشدار می دهد تا فقر را کمتر کند، و گرنه هر گونه اتفاقی ممکن و قریب الوقوع خواهد بود.

گزارش به راحتی نشان می دهد که برای نابودی فقر و گرسنگی که شامل بیش از یک چهارم جمعیت جهان می شود به اندازه کافی «ثروت اجتماعی» موجود است. اما مسئله اصلی نیست که منطق بازار سرمایه داری بر مبنای مالکیت خصوصی این ثروتی است که به طور اجتماعی توسعه کارگران آفریده شد اند. مالکیت خصوصی و «بازار آزاد» مسویل از اصلی فقیر شدن اکبریت عظیم جامعه هایانی و ثروتمند شدن اقلیت ناچیز میگردد.

طبق این گزارش ثروت فقط هفت نفر از ثروتمند ترین ها برای تأمین نیاز های ابتدائی میلیون ها انسان دیگر کافیست. نویسنده گان گزارش محلبیه کرده اند که برای بیمه های اولیه اجتماعی تمامی کشورهایی که به نام کشورهایی «در حال توسعه» نامیده می شوند مبلغی برای با هشتاد میلیارد دلار آمریکا در طی ده سال متواتی لازم است. و این مبلغ از ثروت خالص هفت نفر اول لیست ثروتمندین ها کمتر است. به زبان دیگر این نظم اقتصادی و اجتماعی کونیست که مسبب بدیختی هاست و نه علل و عوامل دیگر هیچوقت مثل امروز جامعه بشري توانابی لین را نداشته است که فقر و مصائب آن یعنی بسیاری، تغییه ناکافی، بی سوادی، کار کودکان، بی خانه مانی فلینده و غیره را نابود کند، ولی این نظم پوسیده و کهنه سرمایه داریست که اجازه چنین امر مهی را نمی دهد. نزدیک به یک میلیارد و سیصد میلیون نفر از انسان هایی که در مستعمرات سبلق زندگی می کنند در آمریکا در روز برای زندگی دارند. در واقع از سال ۱۹۸۷ به تعداد اینان صد میلیون نفر اضافه شده است. در میان جمعیت این مستعمرات هشت صد و چهل میلیون نفر به اندازه کافی غذا نمی خورند، یک میلیون نفر بی سواد هستند و یک میلیارد نفر آب آشامیدنی در محل نیست خود ندارند. متوسط سن نزدیک به یک سوم کسانی که در کشورهای قفقازی به ویژه در آفریقا زندگی می کنند بیش از چهل سال نیست.

نابرابری های اجتماعی شلیبا تحمل ناپلیر شده اند. به چند نمونه دیگر از گزارش سالانه سازمان ملل اشاره کیم: دارلی های ده تن از نخستین میلیاردرها یک برابر و نیم درآمدناخالص ملی چهل و هشت کشوری است که جزو فقیرترین کشورهای جهانند. نسبت پنجمین فقیرترین کشور به پنجمین ثروتمندین کشور از سی به یک در سال ۱۹۶۰ به صفت ویک به یک در سال ۱۹۹۱ و هفتاد و هشت به یک در سال ۱۹۹۴ رسیده است. ثروتمندترین مکریکی در سال ۱۹۹۵ شش میلیارد و شش صد میلیون دلار پول داشته که برای با درآمد صد و هفده میلیون مکریکی دیگر بوده است. در کشورهای سرمایه داری پیشرفت اریبا، آمریکای شالی، ظپن و استرالیا دستزدهای واقعی و سطح زندگی به گونه ای سیر نزولی داشته اند که صد میلیون نفر زیر خط فقر زندگی می کنند، با توجه به لین

اطلاعیه شماره ۱

tribunal بين المللي

نخستین اجلاس تدارک تریبونال بین المللي علیه جمهوری اسلامی ایران از تاریخ ۱۴ تا ۱۶ ژوئن در یکی از شهرهای آلمان با شرکت ۲۹ نهاد و انجمن دمکراتیک برگزار گردید و شهر لاهه به عنوان محل تشکیل دادگاه انتخاب شد.

ایرانیان آزادیخواه و پسریت متوفی!

رژیم جمهوری اسلامی ایران به مثابه یک حکومت مذهبی، شلیلترین تضییقات و ستمها را علیه کارگران و زحمتکشان، زنان، کودکان، اقلیتهای ملی، مذهبی و جنسی روا داشته و مخالفان سیاسی ط عقیدتی خود، روشنفکران، هنرمندان، محققین، نویسندها و روزنامه نگاران را به گستره‌ترین شکل سرکوب می‌کند.

جمهوری اسلامی ایران، رژیم قصاص، تعزیر، مثله کردن جسم مجرم، سنگسار، ترور، زندان، شکنجه، اعدام و قتل عام است. چنین سیاستهایی که در عرف بین المللي تجاوز به انسانیت و جنایت علیه بشریت نامیده می‌شود، به قیمت جان هزاران تن از عزیزترین فرزندان مردم ایران و آوارگی و تبعید میلیونها تن از هموطنان ما شده است.

نقض حقوق بشر و تجاوز به حقوق شهروندی توسط این حکومت از مرزهای ایران فراتر رفته، در اقصی نقاط جهان، ده‌ها ایرانی مخالف رژیم را قربانی اقدامات تروریستی خوش کرده و در موارد متعددی جان شهروندان دیگر کشورها را هدف قرار داده است.

بی‌جهت نیست که جمهوری اسلامی ایران به عنوان نمونه بارز تروریسم دولتی، با رای دادگاه میکونوس، در افکار عمومی بین المللي شناخته شده است و سران و مسئولان پایه اول آن به عنوان عاملان تروریسم دولتی مورد تعقیب نهادهای حقوقی بین المللي قرار دارند.

ایرانیان آزاد!

نخستین اجلاس تدارک تریبونال با تشکیل کمیسیونها جهت تنظیم منشور، اهداف و تعیین وظایف برای هیأت هماهنگی، کارپایه اولیه را جهت تدارک تریبونال بین المللي فراهم آورده است.

اجتماعی کنندگان در این نشست، تدارک این تریبونال را به مثابه اقدامی در حفظ شهروندی پایمال شده مردم ایران و دفاع از آزادیهای بی‌قیلوشتر سیاسی به شمار می‌آورند و آن را وسیله‌ای برای جلوگیری از تکرار این تجاوزات جنایتکارانه می‌دانند.

ایرانیان آزاد، خانواده‌های شهدا و زندانیان سیاسی، نهادهای دمکراتیک و چپ، فعالین گروهها، احزاب و سازمانها!

تدارک تریبونال بین المللي برای محکمه رژیم جمهوری اسلامی ایران، امر سترگ همه ماست. بیانیم دست در دست، در این راستا یکپارچه عمل کنیم.

تدارک تریبونال بین المللي از همین نخستین گام خود به یاری شما نیازمند است. ما بر این باوریم که در شرایط کنونی مبارزات مردم ایران برای آزادی و رهایی، کارزار افشاگرانه ما می‌تواند کامی موثر در تقویت این جنبش باشد.

بی‌تردد در اختیار گذاشتن هر برگ و سند افشاگرانه ای از سوی شما در تکمیل پرونده سیاهکاریهای رژیم موثر است. ما، در اولین فرصت، اسناد و مصوبات این نشست را بازتاب خواهیم داد.

هیأت هماهنگی تدارک تریبونال بین المللي برای محکمه رژیم جمهوری اسلامی ایران

۹۸/۷/۱۴

اسامي نهادهای شرکت کننده در اجلاس:

- * کمیته ایرانی مبارزه با تروریسم دولتی جمهوری اسلامی - فرانسه * کانون ایرانیان - لندن * فرنگسراي اندیشه - گوتنبرگ (سوئد) * مجمع ایرانیان دمکرات و آزادیخواه - مونیخ * کانون پناهندگان سیاسی - برلین * سازمان پرایم - هلند * تلاش - کانون حمایت از مبارزات مردم ایران - کلن * اتحادیه جوانان دموکرات * اتحادیه زنان دموکرات * کانون حمایت از زندانیان سیاسی ایران - آخن * حقوقانان کرد - آلمان * تشکل مستقل دمکراتیک زنان ایرانی - هانوفر * کانون دمکراتیک ایرانیان (سوئیس) * کمیته دفاع از آزادی بیان، اندیشه و قلم در ایران - هانوفر * انجمن دفاع از زندانیان سیاسی - عقیلتی در ایران - پاریس * کمیته دفاع از زندانیان سیاسی ایران - برلین * کمیته دفاع از آزادی و مبارزه با ترور و اختناق در ایران - گوتنبرگ * کمیته دفاع از جنبش- سوئیس، آلمان، هلند، بلژیک، سوئد * فعالین زن در مبارزه - هلند * فعالین زن در مبارزه - آلمان * همایش زنان ایرانی - هانوفر * انجمن مستقل زنان ایرانی - هانوفر * انجمن مطالعات زنان ایرانی - لندن * کانون زندانیان سیاسی ایران - هلند * کانون سیاسی - فرهنگی ایرانیان - هلند * کانون سیاسی - فرهنگی ایرانیان - هانوفر * کانون سیاسی - فرهنگی ایرانیان - فرانکفورت * شورای همبستگی با مبارزات مردم ایران - اشتونگارت

امکانات تماس با هیأت هماهنگی :

Fax :

00 49 / 221 / 34 81 228

00 49 / 30 / 20 290 436

00 46 / 31 / 13 98 97



* گسترش مبارزات کارگری در اندونزی

بنبال کشتش مبارزات تده ای، مبارزات کارگران در این کشور اوج بیسابقه ای یافته است. کارگران در اندونزی، با گام های استوار، پیش میروند. نمود این روند، تشیید مبارزات کارگری در ماه اخیر است. طی این مدت هزاران کارگر در مؤسسه های مختلف تولیدی دست از کار کشیده و به منظور افزایش دستمزدها و برسمیت شناختن حق تشكل وارد مبارزه شده اند.

روز ۸ زوئن، بیش از ۱۰ هزار کارگر سازنده لوازم خانگی در گروه صنعتی Maspion در خیلنهای (دومین شهر بزرگ اندونزی) دست به یک راهپیمانی ۱۶ کیلومتری زدند. راهپیمانی خواهان برخوداری از سویس رفت آمد و یک وعده غذای روزانه در حین کار شدند. در جریان لین راهپیمانی و حمله پلیس، بیش از ۳۰ کارگر شلیما متروخ شدند.

لازم به ذکر است که این پنجمین راهپیمانی و تظاهراتی بود که از سوی کارگران برپا گردید. در ادامه مبارزات کارگران، رژیم اندونزی وادار به آزادی یکی از رهبران اتحادیه کارگری این کشور شد و عده داد که کتوانسیون سازمان بین المللی کار، در زمینه آزادی حق تشكل را به رسمیت بشناسد.

* سوئیس - بعد از ۵۹ سال، پرقدرت ترین اتحادیه کارگری سوئیس، اتحادیه کارگران صنایع ماشین سازی SMUV، باتوافقنامه مربوط به تعیین شرایط کار در این کشور، مخالفت نمود. این حرکت نتیجه مستقیم افزایش مبارزات کارگران در سالهای اخیر علیه رشد بیکاری و ساعتی طولانی کار است. توافقنامه فوق، که از سال ۱۹۳۹ تاکنون هر ۵ سال یکبار به تصویب تمام اتحادیه های کارگری رسیده، شرایط فروش نیروی کار کارگران را تعیین کده است. یکی از مواد لین توافقنامه محاذ ←

ویلا فاصله در مقابل در ورودی کارخانه تجمع نموده و از خروج کالاهای ساخته شده جلو گیری نمودند. این اعتراض در اعتراض به ترک مذاکرات مربوط به تعیین دستمزدها از سوی نمایندگان کارفرما، انجام گرفت. کارگران با ۵ روز اعتراض، تجمع در مقابل کارخانه و جلوگیری از خروج کالاهای ساخته شده، بالاخره روز ۱۰ ژوئن ملیتیت کارخانه را وادار نمودند که مذاکرات را از سریگیرد. کارگران به سر کارهای خود باز گشتند اما تاکید نمودند که تا رسیدن به خواسته خود، از سلاح اعتراض استفاده خواهند کرد.

* مبارزه کارگران صنایع چوب و گاغذ در کنادا

روز ۱۵ ژوئن هزاران تن از کارگران صنایع چوب و گاغذ در کانادا به طور همزمان در ۱۱ کارخانه، دست از کار کشیدند. خواست کارگران بهبود شرایط بهداشتی و ایمنی در محیط کار، جلوگیری از اخراج ۳۰۰ کارگر و لغو کار شفیقی است. ۲۵ هزار کارگر شاغل در صنایع چوب و گاغذ کانادا نیز از نمایندگان منتخب خود خواستار شدند تا نسبت به بهبود شرایط کار و تضمین شغلی با اتحادیه های به مذاکره بنشینند.

* راهپیمانی معنچیان روسیه

هزاران تن از معنچیان ذغال سنگ روز ۱۱ ژوئن ضمن دست زدن به یک راهپیمانی طولانی از سبیری به مقصد مسکو، خواهان دریافت دستمزدهای معوقه خود شدند. این از جمله حرکات اعتراضی است که طی سالهای اخیر علیه دولت یلتیسین صورت میگیرد. لازم به ذکر است که در ماهه مه سال جاری نیز اعتراضات وسیعی از سوی معنچیان برپا گردید. اتحادیه مستقل کارگری روسیه در آن هنگام به دولت اولتیماتوم داده بود که چنانچه دستمزدهای معوقه تا اول ژوئیه پرداخت نگردد، فراخوان یک اعتراض عمومی را صادر خواهد نمود. ↓

* اعتراض کارگران جنرال موتورز در آمریکا

بیش از هزار تن از کارگران جنرال موتورز در کارخانه اتومبیل سازی، در اعتراض به حذف مشاغل و متعاقباً اخراج هزاران کارگر، روز ۱۵ ژوئن دست به اعتراض زدند. گچه متابع رسمی در آمریکا، علت این اعتراض را بهبود بیمه درمانی و شرایط کار ذکر میکنند، اما این اعتراض گسترده علیه موج بیکار سازیهای است که طی سالهای گذشته، هزاران کارگر را بیکار ساخته است. طی ۲۰ سال گذشته کارگران شاغل در منطقه Flint که اولین مرکز تولیدی جنرال موتورز بوده، دو سوم کاهش یافته است. تنها در ۲ سال گذشته تعداد کارگران این کارخانه در Flint از ۱۳۰۰۰ به ۵۸۰۰ رسیده وهم اکنون صدها تن دیگر در آستانه اخراج هستند. جنرال موتورز طی سالهای آینده برای بهره برداری از نیروی کار ارزان، بخششی مختلف لین کمپانی را به تایلند، مکزیک و چین انتقال خواهد داد. گچه شروع اعتراض اخیر در منطقه Flint بود، اما این حرکت به سرعت به سایر مراکز تولیدی جنرال موتورز در شهرهای دیگر سرایت نمود و موجی از اعتراضات کارگری، برپاشد. روز ۱۷ ژوئن کارگران صنایع فولاد در همبستگی با اعتضاییون جنرال موتورز دست از کار کشیدند.

* اعتراض کارگران بارانداز در آفریقای جنوبی

بنبال اعتراض کارگران بارانداز در آفریقای جنوبی که از اوخرمه مه سال جاری آغاز شده است، بارگیری و تحملیه کشتی های باری در این کشور تقریباً متوقف شده است. قریب به ۳۷۰۰ کارگر بارانداز، خواستار اضافه دستمزدی معادل ۱۰۰ دلار آمریکا شده اند.

* دانمارک - روز ۷ ژوئن ۱۱۰۰ کارگر مرغداری Skovgaard در شهر Brovst دست از کار کشیدند. این حرکت در اعتراض به کارشناسی های کارفرما در مذاکرات مربوط به تعیین دستمزدها بود. کارگران خواستار افزایش دستمزدها به میزان ۵ کرون در ساعت بودند. ولی کارفرما تنها حاضر به پرداخت نصف این مبلغ شد. ضمناً کارفرمایان به بهانه مرخصی ملیک کارخانه، از مذاکره با نمایندگان کارگران سریاز زد. امامقاومت ۳ روزه کارگران بالاخره نمایندگان کارفرما را به پشت میز مذاکره با کارگران کشاند. روز ۴ یونی، تمامی ۱۹۰ نفر کارگر کارخانه کابل سازی NKT ادر شهر Kalundborg دست از کار کشیده

خبر از اوضاع یکیگر و همچنین حرکت مشترک در روزهای تاریخی از جمله ۸ مارس روز جهانی زن، میباشد».

دفاع از مبارزات کارگران و زحمتکشان علیه رژیم حاکم در انزویزی، یکی از مواردی بود که از سوی شرکت کنندگان مورد توجه ویژه قرار گرفت. همچنین شرکت در جمع انتصابیون باراندازهای بنادر استرالیا از جمله کامپانی‌های انتناسیونالیستی شرکت کنندگان در کنفرانس بود.

اجلاس «شبکه ارتباطی زنان در آسیا» تشکیل شد. این شبکه به منظور گسترش ارتباطات و پیشبرد مبارزه ای مشترک، هیئتی از فعالین سیاسی، فعالین ضد سلاحهای هسته‌ای و فعالین حقوق بشر را انتخاب نمود.

همچنین «دبی‌لاری» یکی از رهبران جنبش کارگری انزویزی که هم اکنون در زنان آسیا برگزیده شد. عضو افتخاری هیئت زنان آسیا برگزیده شد.

هیئت مذکور در تعریف وظائف خود، در بیانیه‌ای اعلام نمود: «وظیفه ما در جمله اول تبادل اطلاعات و کسب

اولین کنفرانس (همبستگی آسیا)

با حضور قریب به ۷۵ شرکت کنندگان از کشورهای آسیا و حوزه آقیانوس آرام، اولین کنفرانس «همبستگی آسیا» از تاریخ ۱۰ الی ۱۳ آوریل در سیمینی- استرالیا تشکیل شد. ۶۷ گروه، سازمان و حزب سیاسی دمکرات و چپ از جمله حزب کمونیست ژاپن، کنفرانسیون اتحادیه کارگری کره جنوبی، حزب خلق مالزی، حزب دمکراتیک سنگاپور، حزب دمکراتیک خلق انزویزی، بنیاد زنان کامبوج، حزب کارگر پاکستان، حزب نوین سوسیالیست سری لانکا، بنیاد بهداشت زنان، نمایندگانی میهمانانی از آلمان، فرانسه، اسپانیا و نیکاراگوئه در اجلاس فوق حاضر بودند.

پس از سخنرانی افتتاحیه توسط نماینده ساندینیستهای نیکاراگوئه، کنفرانس بحث حول موضوعات زیر را در دستور کار خود قرار داد. بحران اقتصادی در جنوب شرقی آسیا و تاثیرات آن بر زندگی کارگران و زحمتکشان، نقش زنان در تحولات سیاسی - اقتصادی، تشلید بحران سیاسی در انزویزی، همبستگی بین المللی و گسترش ارتباطات فی مایین جریانات چپ به منظور هماهنگی و تحکیم روابط و مبارزات.

بحران اقتصادی در منطقه، سیاستهای صنلوق بین المللی پول و ضرورت مبارزه علیه رژیمهای دیکتاتوری از مباحث کنفرانس بود. طی این مباحثات اوضاع فیلیپین و انزویزی مورد توجه ویژه ای قرار گرفت. از جمله نکات مطرحه، پاگرفن و تقویت جریانات اسلامی در منطقه بود. شرکت کنندگان ضمن اشاره به این خطر، بر ضرورت سازمانله و اتحاد بین نیروهای چپ تاکید ورزیلند. مسئله تعیین تاکتیک‌های صحیح و اصولی در کشورهای مختلف و متناسب با اوضاع سیاسی، اجتماعی حاکم یکی از موارد مشترک در مباحث بود. بطور نمونه در این مدت از کشور سوئیس، عنوان کشوری که کمترین اعتصابات کارگری را در میان کشورهای اروپائی به خود اختصاص داده است، یاد میشد.

خبر کارگری جهان

۷درصدنیروی فعال یا معادل ۱/۴ میلیون نفر میباشد. در همین ربط روز ۳۱ مه، ۵ هزار نفر از کارگران در شهر Ulsan در اعتراض به اخراجها دست به راه پیمانی زدند. اوائل ماه ژوئن نیز به دعوت کنفرانسیون اتحادیه های کارگری کره جنوبی، KCUT، کارگران صنایع اتومبیل سازی در این کشور در اعتراض به اخراجها دست به خود بیگانه می نماید.»

نبودن کارگران به استفاده از سلاح اعتصاب برای حل اختلافات خود با کارفرما بود، که اکنون با رشد مبارزه جوئی کارگران باید حذف شود. حال روشن است که چرا در این مدت از کشور سوئیس، عنوان کشوری که کمترین اعتصابات کارگری را در میان کشورهای اروپائی به خود اختصاص داده است، یاد میشد.

* وشد بیکاری در ژاپن و کره جنوبی

بیکاری دردو کشور ژاپن و کره جنوبی به سرعت در حال افزایش است. تعداد بیکاران در ژاپن اکنون به بالاترین رقم یعنی ۳ میلیون نفر رسیده که از سال ۱۹۵۳ تا کنون بیسابقه است. این درحالی است که رقبات بین ۳ قطب امپریالیستی ژاپن، آمریکا و بازار واحد اروپا اوج گرفته و ارزش یین ژاپن در بازارهای بورس به کمترین میزان خود رسیده است. در کره جنوبی نیز رشد بیکاری مبارزه و مقاومت را در میان کارگران دامن زده است. هم اکنون تعداد بیکاران در کره جنوبی نزدیک به

ویا شرکت کنندگان فیلیپینی که از گرایشات منشعب حزب کمونیست این کشور هستند، بر ضرورت مبارزه مشترک علیه رشد جریانات و گرایشات ارتقای و اسلامی به بحث و تبادل نظر پرداختند. یکی دیگر از محورها، مسئله زنان و نقش زنان در تحولات اقتصادی- سیاسی در منطقه بود. گروههای زنان حاضر در کنفرانس از جمله زنان کامبوج و فیلیپینی، توجه کنفرانس را به وضعیت در دنک زنان در بازار فحشاء جلب نمودند و خواهان تشکیل شبکه های ارتباطی بین گروههای زنان به منظور بالا بردن برآیند فعالیت های خود، شدند. از همین رو در جنب کنفرانس، اولین

۱۰ سال سابقه کار دارند، ضمن اظهار نگرانی از تعطیل کامل این واحد، چنین اعلام کرده اندکه «این واحد از هشتاد روز پیش دچار رکود کامل شده است و کارگران دراین مدت حتی یک ریال هم حقوق و مزایا دریافت نکرده اند».

* اعترافات دبیر کل خانه کارگر

گرد هم آئی شوراهای اسلامی کار استان تهران وابسته به تشکل دولتی موسوم به خانه کارگر به منظور بررسی طرح بازنیستگی پیش از موعد در کارهای سخت وزیان آور در دوم خداد برگزار شد. محجوب دبیر کل خانه کارگر که دراین گرد هم آئی سخنرانی میکرد، اعتراض کرد که «مزد حقیقی کارگران تنها به انتزاع یک سوم نیاز واقعی آنهاست! وی درادامه سخنرانی خود به وحامت مطلق وضعیت کارگران اشاره کرد و گفت «بررسی هاششان میهد که قدرت خود فعلی کارگران مسیان ۲۰ سال پیش بیش از ۴۰ درصد کاهش یافته است» او همچنین اضافه کرد «درحالی که امروز بیکاری بزرگترین معضل اجتماعی به شمار میورد، کارفرمایان و مدیران واحدهای تولیدی به دلائل مختلف اقسام به تعطیل کردن کارخانه ها، اخراج و عدم پرداخت حقوق ماهانه کارگران کرده اند».

این اعترافات دبیر کل تشکل زرد وابسته به دولت، نشان ازین واقعیت است که وحامت شرایط زندگی کارگران تا به آن مرحله رسیده که تشکل های زرد دولتی هم ناگفیر به جنبه هایی از این وحامت اوضاع اعتراض کنند.

* حداقل مستمری بازنیستگی و از کار افتادگی پس از تعرضات متعددی که از سوی مستمری بگیران تحت پوشش سازمان تامین اجتماعی، نسبت به سطح نازل دریافتها صورت گرفت، این سازمان در اوائل تیرماه اعلام کرد که مستمری از کار افتادگی کلی، بازنیستگی و مجموع مستمری بازنیستگی در هر حال نباید از حداقل مزد کارگر عادی کمتر باشدو این حداقل را ۳۰ هزارو ۵۳۰ ریال تعیین نمود. در این تصمیم سازمان تامین اجتماعی میزان کمک هزینه عائله مندان ماهانه ۵ هزارو ۴۰۰ ریال و کمک هزینه اولاد بابت هر فرزند تا حد اکثر سه فرزند، ۱۰ هزارو ۸۰ ریال تعیین شده است. این تصمیم بهیچوجه نمیتواند پاسخگوی هزینه های بالا و کمرشکن مستمری بگیران تحت پوشش سازمان تامین اجتماعی باشد.

* افزایش بهای آب و حق انشغال

مجلس به پیشنهاد دولت تصمیم گرفت که بهای آب را افزایش دهد. برطبق این تصمیم بهای آب مشترکین با مصرف بیش از ۵ متر مکعب در ماد، ۱۰ درصد افزایش یافت و بهای یک متر مکعب آب به ۹۵۰ ریال افزایش یافت. طی چندماه اخیر پیوسته بر قیمت کالاهای خدمائی که در انحصار دولت قرار دارند افزوده شده و این افزایش با تاثیر زنجیره ای خود بر دیگر کالاهای افزایش قیمت آنها، سطح زندگی زحمتکشان را بازم تنزل داده است.

خبر از ایران

* تجمع اعتراضی کارگران فخ کار

خلاصه این خبر در شماره پیشین نشریه کار بچاپ رسیده بود. اکنون مشروح آواز نظر میکنایند.

بیش از ۵۴۰ تن از کارگران شرکت کارخانجات رسیدگی و بافنده نخکار، روز سوم خداد بباپیانی یک تجمع اعتراض آمیز در برابر فرمانداری خراسان، خواستار پرداخت ۴ ماه حقوق معوقه خود شدند. کارگران همچنین نسبت به اخراج هشتاد تن از همکاران خود بدون آنکه هیچگونه حق و حقوقی به آنها پرداخت شده باشد، اعتراض نموده و خواستار رسیدگی به این مسئله شدند.

* بیکاری کارگران شوکت «دان شهر»

جمعی از کارگران شرکت «دان شهر» با ارسال طوماری به رسانه های جمعی، نسبت به وضعیت نامطلوب لین شرکت و عواقب تعطیلی آن ابراز نگرانی کردند. دراین نامه که جمع کنیزی از کارکنان شرکت یاد شده آن را امضا کرده اند، ضمن اشاره به تلاشهای عامدهانه مدیران شرکت برای به رکود کشاندن و سرانجام تعطیل آن، چنین نامه ای که میزان مطالعه ای از شیوه های کارگران گذشتند. این روزی کارگران با حمل پلاکاردهایی، نسبت به علم پرداخت دستمزدها و ناشتن امنیت شغلی خود اعتراض نموده و خواستار آن شدند که هرچه زودتر به این مسائل رسیدگی شود.

قابل ذکر است که کارخانه نخکار واقع در جاده قدیم کرج، دارای ۵۴۰ نفر پرسنل است که اکثر کارگران آن کننده انواع پارچه است، قبل از روی کار آمدن جمهوری اسلامی، در تملک سرمایه دار معروفی بنام ایروانی بود که بعد به «سازمان صنایع» و «گروه صنعتی ملی» واکذار گردید. سپس در پی خصوصی سازی مراکز تولیدی، در سال ۷۳ به بخش خصوصی واکذار گردید و مشکلات کارگران این کارخانه از این تاریخ ببعد در زمینه تولید و دریافت دستمزدها به شکل بارزی افزایش یافت. تا اینکه کارفرمایی این کارخانه از چهار ماه قبل از این تجمع اعتراضی کارگران، به بهانه نبود مواد اولیه، کارخانه را به ستادی تحت عنوان «ستاد اجرایی حضرت امام» واکذار نمود و بدینوسیله تولید در این کارخانه را عملاً متوقف ساخت، پس از این اقدام اگرچه تملک کارخانه به «سازمان گسترش مالی» انتقال یافت، اما هیچ اقتام موثری جهت راه اندازی کارخانه و پرداخت حقوق معوقه کارگران صورت نگرفت. کارگران این کارخانه برای جلوگیری از تعطیل این کارخانه و دریافت حقوق خود از ملتهاست که به تلاش هایی دست زده اند و از جمله گزارشی این کارخانه را به مفصلی از وضعیت خود و کارخانه را به مسئولین و مراکز ذیربط از جمله، استانداری، «شورای تامین کار»، «دفتر رهبر»، ریاست جمهوری، خانه کارگر وغیره وغیره فرستاده وبا آقای وزیر کارهم در این مورد صحبت کرده اند، اما هیچگدام پاسخ روشنی به آنها نداده اند. آقای وزیر کارهم چیزی جز وعده به آنها نداده است. کارگری دراین مورد میگوید «آقای وزیر قول مساعد داده اند و لی این قول ها برای ما حقوق معوقه نمیشود» مشکل دیگر کارگران این کارخانه اینست که هم اکنون سازمان تامین اجتماعی هم به بهانه بدھی کارخانه به این سازمان، از پنیرش پرسنل این کارخانه و تبلید دفترچه های درمانی کارگران نیز اجتناب میکند و این موضوع فشار مضاعفی را برداش کارگران خانوداده های آنها تحمیل کرده است.

* افزایش بیکاری و رکود واحدهای

صنعتی بزرگ در آذربایجان شرقی بادامچی ملیر کل کار آذربایجان شرقی طی سختانی چنین اعتراض نمود که میزان مراجعه کنندگان به اداره کل کار این استان برای یافتن کار و حل اختلافات به ۲/۵ برابر افزایش یافته است. وی ضمن اشاره به این موضوع که ۴۸ درصد مراجعه کنندگان را افراد بین ۳۵ تا ۱۵ سال تشکیل میکنند این موضوع را نگران کننده خواند و اضافه کرد افزایش مراجعه کنندگان به اداره کل کار چهت یافتن کار دریلن استان در شرایطی صورت میگیرد که هم اکنون ۱۶ واحد تولیدی و صنعتی بزرگ آذربایجان شرقی در حالت نیمه تعطیلی بسر میبرند. آقای ملیر کل کار استان آذربایجان شرقی، در ادامه این سخنان افشا کننده خود که به رکود و بیکاری روز افزون کارگران صحة مینهاد، به موضوع طرفیت و تدبیر جمهوری اسلامی برای واکذاری کار و اشتغال بیکاران هم اشاره میکند نامبرده میگوید «سال گذشته از مجموع ۳۱۵۰۰ جوینده کار، زمینه اشتغال فقط ۳ هزار نفر فراهم شده که لین افراد نیز بیشتر در مشاغل فصلی و موقتی مشغول بکار شده اند!»

* کارگران امنیت شغلی ندارند

کارگران «آرد بیستون کرمانشاه» ضمن ارسال یادداشتی برای روزنامه کار و کارگرکه بخش هایی از آن در شماره دوم خداد این روزنامه بچاپ رسیده، نسبت به علم پرداخت حقوق و مزایای خود و ناشتن امنیت شغلی اعتراض کرده اند. این کارگران که اکثر آنها بین ۲۰ تا

* تجمع اعتراضی کارگران

نزدیک به یکصد تن از کارگران وکارمندان «ستاد معین

* فقر و خودکشی

قر و بختی که جمهوری اسلامی به مردم زحمتکش تحمیل کرده است، نتایج بس وحشتناکی درهمه ابعاد زندگی کارگران و زحمتکشان داشته است. اکنون کاربه جائی رسیده که برخی از مردم که راه صحیح مبارزه با فقر را که همانا مبارزه علیه نظام موجود و حکومت پاسدار آن است، نمیبینند، زیر فشارهای مادی و معنوی بیشمار به خودکشی روی می آورند. روزنامه جمهوری اسلامی در ۲۶ خداد خبر داد که چهار دختر یک خانواده در یکی از روستاهای داراب که سن آنها ۱۲ تا ۱۹ سال بود، با پاشین نفت به روی خود اقتلام به خودکشی کردند. ۳ تن از این دختران جان باختند و حال یکی از آنها وخیم است. روزنامه مذکور علت خودکشی را فقر اعلام کرده است.

* داروزدن در ملء عام

جمهوری اسلامی همچنان به شیوه های قرون وسطائی سنگسار، اعتماد در ملء عام و دیگر اتفاقات وحشیانه ادامه میلهد. روز ۲۸ خداد روزنامه های رژیم خبر به دار آویختن چهار جوان ۱۹ تا ۲۲ ساله را در ملء عام در خوزستان منتشر ساختند. روزنامه های رژیم روشن نکردن که آیا این چهارتمن بجرم مخالفت با رژیم اعتماد شنید و یا به علل دیگر. در روزنامه های رژیم اتهام این ۴ جوان «اهاحت به حضرت امام خمینی و مقام معظم رهبری»، زنای به عنف، شرب خمر، استعمال مواد مخدر، نگهدازی و خرید اسلحه، شرکت در چنینی سرت مسلحانه و لیجاد رعب و وحشت و برهمن زدن امنیت اعلام شده است.

سرکوب مردم بویژه مردم کردستان اشتغال داشته و همچون "برادر صفوی" به کار گردن زدن و زبان بریدن مشغول بوده است، نه فقط در دادگاه اسلامی و بساطی که یزدی رئیس قوه قضائیه برآه اداخته است محکوم میشود، بلکه حتی از سوی مهاجرانی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی دولت آقای خاتمی نیز که خودمسئل و مصدر امر پیشبرد برنامه خاتمی درمورد "توسعه سیاسی" است و صدارت و وزارتیش بسان "جامعه" محصول همان اندک تغییر موقع تحمیل شده به رژیم پسازدوم خردادرست و البته تحت فشارشیده یزدی و جناح وی قراردادو خلاصه آنکه هم اکنون پایش روی هواست و بعد از برکناری شهردار تهران و وزیر کشور، نوبت خویش را انتظا میکشد، مورد انتقاد قرار گرفته و به "سو استفاده از آزادی" متهم میگردد!

و بدینسان ، بار دیگر حد و حدود "آزادی" در دستگاه نظری طوفانی "جامعه مدنی" و "توسعه سیاسی" رخ مینه و پرتو دیگری بر "جامعه باز" مورد نظر اسلام گرایان می اندارد .

خبراری از ایران

* مقابله با اخراج و بیکارسازی کارگران

- ۵ - ۱۱ کارخانه تولید کیک و کلوجه
- ۶ - ۱۰ کارخانه ریسنگر و بافندگی
- ۷ - ۵ کارخانه تولید فرش
- ۸ - ۴ کارخانه تولید جوراب
- ۹ - ۴ کارخانه چرم و کفش
- ۱۰ - ۷ کارخانه تولید قند
- ۱۱ - ۴ کارخانه سیم و کابل
- ۱۲ - ۹ کارخانه پارچه
- ۱۳ - ۲ کارخانه تولید سرنگ
- ۱۴ - ۲ کارخانه تولید کلید و پریز
- ۱۵ - ۱۰ کارخانه رب، کنسرو و کپوت
- ۱۶ - ۴ کارخانه دستمال کاغذی
- ۱۷ - ۷ کارخانه تولید ماکارونی
- ۱۸ - ۵ کارخانه تولید فراورده های لبنی
- ۱۹ - ۸ کارخانه تولید موڑایک
- ۲۰ - ۷ کارخانه سنگبری
- ۲۱ - ۶ کارخانه ریخته گری
- ۲۲ - ۴ کارخانه پنیر
- ۲۳ - ۸ کارخانه تولید بلوك سیمانی
- ۲۴ - ۸ کارخانه تولید انواع پوشک
- ۲۵ - ۲ کارخانه دامپروری
- ۲۶ - ۵ کارخانه تولید پروفیل الومینیوم
- ۲۷ - ۲ کارخانه خمیر دنن
- ۲۸ - ۶ کارخانه تولید ملیع طرفشوئی و شامپو
- ۲۹ - اینهاست نمونه ها و شماری از واحدهای تولیدی که فقط در ظرف چند ماهه اخیر تعطیل شده اند و در اثر آن، هزارها ودها هزار کارگر از کار بیکار شده و به ایشان پیشگیری میکنند. مطابق مندرجات روزنامه جامعه مورخ ۲۷ خداد، فقط در همین چند ماهه اخیر، ۴۰۰ کارخانه واحد تولیدی که در رشته های مختلفی نظیر ریسنگر و بافندگی، چرم و کفش، صنایع، مواد غذائی، فرش، ساختمان وغیره وغیره فعالیت میکرده اند، بکلی تعطیل شده و کارگران آن از کار بیکار شده اند. همین روزنامه، برخی از واحدهای کارخانه های تعطیل شده را، بقرار زیر مشخص کرده است.
- ۳۰ - ۱ واحد صنعتی
- ۳۱ - ۲ کارخانه تولید کننده قطعات پلاستیکی و ظروف یکبار مصرف
- ۳۲ - ۳ کارخانه تولید نایلون و نایلکس
- ۳۳ - ۱۳ کارخانه تولید کننده فیلتر

(جامعه باز و دشمنانش)

رژیمو لایت فقیه حتی همین ها هم تحمل و پذیرفته نمیشود و حتی روزنامهای مثل جامعه که اینچنین صریح و بی پرده اهداف خود را برای خدمت به نظام بیان میدارد و میخواهد قضیه سرنگونی حکومت را به محاکم بکشد، خود در این "محاکم" گرفتار میاید و مدیر مسئول آن که سالهای سال در لباس باس سپاه پاسداران به قلع و قمع انقلابیون و بحث و تلاش بر سراندک تغییر در شیوه های تاکنونی است البته با حفظ اصول و رعایت چارچوبها و موازین شرعی و اسلامی! آنهم اگر که در همین حدود در رژیم ولایت فقیه انعطافی پیدا شود و صد البته بمنظور برداشتماندن همان رژیم و حکومت اسلامی! نمونه های مثال زدنی فراوانی اما وجود دارد که نشان میدهد و دلالت برآن دارد که در

یادداشت‌های سیاسی

حاکمه شهردار تهران و فساد مالی دستگاه دولتی

محاکمه شهردار تهران به جرم اختلاس و سوء استفاده های مالی، طی یک ماه گذشته یکی از مسائل اصلی مورد بحث در مطبوعات رژیم و در میان مردم بوده است. مطبوعات جناح های طرفدار کرباسچی، مسئله فساد مالی در شهرداری را از همان آغاز انکار کرده و دادگاه را صرفا یک ماجراه سیاسی میدانند. جناح مقابل بالعکس هرگونه شایبه سیاسی را در مورد این دادگاه، انکار کرده و صرفا برمسئله فساد مالی تاکید کرده است. این هردو دسته بنا بر مصالح و منافع خود تنها بر یک جنبه از واقعیت انگشت گذشته اند. حال آنکه واقعیت مربوط به این دادگاه دربرگیرنده هردو جنبه است. در این تردیدی نیست که دادگاه شهردار تهران، جلوه ای دیگر از کشمکش هاو تضادهای درون دستگاه حکومت است. این دادگاهی است تشکیل شده از سوی یک جناح برابی افشاء و محکمه کارکاران سازندگی و حامیان و مت宦ین خاتمی ویرکاری کرباسچی، اما همانگونه که مسائل مطرح شده در جریان دادگاه تاکنون نشان داده است، برمبنای پرونده ای تشکیل شده که در آن موارد متعددی از اختلاس، سوء استفاده های مالی، و زدوبند و فساد مالی به چشم میخورد.

بلا صاحب مانده است. نه متعلق به شهرداری است که آقای کرباسچی جواب آنرا بدهد، نه متعلق به میلیارن است و نه کس دیگر. معهداً اغب پولهای مورد اشاره از این حساب برداشته شده است. کرباسچی در دادگاه در مورد این حساب، به رئیس دادگاه توضیح داد که این تنها در شهرداری مرسوم نبوده بلکه در بسیاری از موسسات دیگر دولتی هم وجود دارد. کرباسچی البته درست میگوید، این وضع مختص شهرداری تهران نیست. فساد، سوءاستفاده مالی، دزدی، رشوه خواری و راههای دروغین باصطلاح قانونی آن، جزء لاینفک تمام دستگاه دولتی جمهوری اسلامی و همه سران آن است. در هر نظام سیلیسی که مردم در آن نقشی نداشته باشند، وکتربل و حساب و کتاب جلی در کار نباشد، سیستم دولتی سرتاپا فاسد است. در جمهوری اسلامی هم که یک ولی فقیه در آن بلا نشسته و بزور خود را به مردم تحمیل کرده و به کسی حساب پس نمیدهلو هر کاری که داشت میخواهد میکند، در رده های پائین ترهم هزاران ولی فقیه کوچکتر، اما همانند او خود کامه نظیر شهردار تهران وجود دارند. اگر در این کشور اندکی حساب و کتاب وجود داشت، مگر ممکن بود که میلیاردها تومان را که اغلب از مردم زحمتکش گرفته شده به میلارن (پاداش) دهند. به حساب آنها بزیند و بعدهم هر طور که میخواهند آنرا خرج کنند. مگر خامنه‌ای تاکنون به کسی توضیح داده است که میلیاردها تومان ثروت خود را از کجا آورده و چگونه خرج میکند؟ مگر رفسنجانی و خانواده او، که حالا جز بزرگترین ثروتمندان و سرمایه داران ایران هستندبه کسی حساب پس داده اند، که این ثروتی‌ها هنگفت را از کجا آورده اند و . . . شهردار تهران هم یکی دیگر از همین هاست . اگر قرار باشد روزی پایی محکمه جلی به میان آید، همه کسانی که در این رژیم نقشی داشته اند، باید به محکمه کشیده شوند. و این زمانی ممکن است که مردم، این نظام را سرتاپا ویران کنند و ابتکار عمل را خود بلسست بگیرند. چرا که در واقع مسبب اصلی، نظام اقتصادی- اجتماعی و سیاسی موجود است .

رقبت انحصارات جهانی برای تسخیر بازارهای ایران

هیچگاه در طول تمام دوران موجودیت جمهوری اسلامی، قدرتهای امپریالیست جهانی و ارتقای منطقه ای همانند امروز به حمایت از جمهوری اسلامی برخاسته بودند. این حمایت همه جانبه که در پی به قدرت رسیدن خاتمی آغاز گردید، در تمام ابعاد سیاسی و تبلیغاتی و اقتصادی در جریان است. گویا که لین همان رژیمی نیست که تا

تا پیلان چهارمین جلسه دادگاه، جمع ارقامی که تحت عنوان اختلاس و سوء استفاده های مالی مطرح شد است، به حدود ۱۵ میلیارد ریال میرسد که از این مبلغ میلیونها تومنان به حسابهای شخصی واریز شده، میلیونها تومنان صرف خرید خودرو برای میلiran شهرداری و مقامات خارج از شهرداری شده است. فروش آپارتمانها به قیمتیهای نازل به میلiran شهرداری، واگذاری زمین باغ و حش با تخفیف های کلان به میلiran شهرداری، ۹۰ هزار دلار به خواری، ۲۶۰ میلیون تومنان به کارگران برای هزینه های انتخاباتی، و ایضا ۶۰ میلیون، ۳۷ میلیون و ۲۰ میلیون تومن برای هزینه های انتخاباتی، و موارد متعدد دیگر که کمترین آن به عبدالله نوری تعلق گرفت که ۶۰ سکه بهار آزادی به عنوان هلیه به وی داده شد، وده میلیون تومن عوارض ملک وی گرفته نشده است. البته شهردار تهران هرچند که در مرود بسیاری از اتهامات پاسخی نداشت، معهنهایی همانند دیگر سران و میلiran دستگاه دولتی جمهوری اسلامی، برای این اقامات و اقدامات دیگری که هیچکس از آن خبر ندارد، راه چاره های باصطلاح قانونی را هم برای فرار از مسئله اثیشیده است. اغلب لین نقل و انتقال هاوسوء استفاده های کلان مالی از حسابی برداشت شده است که گویا متعلق به میلiran است. اجازه آنهم از وزیر مربوطه کشور گرفته شده که نیم درصد از اضافه در آمد شهرداری به حساب پاداش میلiran ریخته شود، و این حساب که دارایی آن سر بر میلیاردها تومن میزند و میلیونها تومنان نقل و انتقال داشته، حالا

یاد داشتهای سیاسی

برای ارتباط با سازمان فدائیان (اقلیت)،
نامه های خود را در دو نسخه جدا گانه
برای دوستان و آشنایان خود در خارج از
کشور ارسال و از آنها بخواهید نامه هایتان
را به یکی از آدرس های زیر پست کنند.

خامنه‌ای رسما به حمایت از یزدی برخاست

ای خطاب به خامنه‌ای، خواهان برکناری یزدی شده و در گردهم آئی های خود شعارهای علیه وی سرداده بودند. این که از همان آغاز درگیری ها مسجل بود که خامنه‌ای، مگر تحقیق شرایط بسیار بحرانی، حاضر به کنار گذاشتن یکی از مهره های اصلی جناح خود نخواهد شد واقعیتی بود قابل پیش‌بینی، و شایعه برکناری وی بیشتر جنگ تبلیغاتی و روانی جناح مقابل بود. اما سوالی که بعد از این موضعگیری خامنه‌ای پیش می‌آید این است، که چرا وی اکنون، یکسال پس از بقدرت رسیدن خاتمی و نقشی که یزدی در جیان انتخابات علیه وی داشت، و چندین ماه پس از جنجالهایی که بر سر ماجراهی دستگیری شهرواران تهران پیش آمد، رسماً وعلناً به جانبداری از یزدی برخاست که نه تنها همه جناحهای دیگر حاکمیت با او مخالفند بلکه یکی از منفورترین چهره های رژیم در میان مردم است. درینجا میتوان به این نکته شاهر کرد که پس از زور آزمائی های یکسال گذشته و تعیین جناح های رقیب، او اکنون خود را در موقعیتی می‌بیند که رسماً در برابر آنها مخالفت کند، به تأیید یکی از سریعترین مخالفین خاتمی پردازد و میخواهد آنها را وادارد که حملات خود را علیه او متوقف سازند. واقعیت دیگری را هم که باید در نظر گرفت این است که جناح مسلط میخواهد با چنگ و دندان موقیت خود را حفظ کند، لذا برغم هرمخالتی که با مهره های اصلی این جناح وجود داشته باشد، از آنها دفاع و حمایت خواهد کرد.

در حالیکه طی چندماه گذشته، طرفداران خاتمی، لبه تیز حمله خود را متوجه دستگاه قضائی جمهوری اسلامی و در رأس آن، یزدی کرده و آشکارا خواهان برکناری وی بودند، خامنه‌ای روز ۷ تیر در جریان دیوار با مستولین و دست اندرکاران قوه قضائیه، طی یک سخنرانی به دفاع از این دستگاه و سرکرده آن یزدی پرداخت و تعزیز آن را محکوم کرد. او در سخنان خود خطاب به جناح های سیاسی رقیب و مطبوعات آنها گفت: «این که بعضی بیند می‌شود دستجات سیاسی یا مطبوعات غیره در مقابل حفظ احترام این قوه ای که مردم باید به آن اعتماد داشته باشند، احساس مسئولیت نمی‌کنند، بد و خلاف مصلحت است. یکی از راههای بی اعتماد کردن مردم به دستگاه قضائی، شایعه پراکنی ها و اظهارات بی اساس است که از روی بی مسئولیتی عنوان می‌شود.» و درادمه صحبت خود افزود: «همه باید بدانند که قوه قضائیه بحمدالله کار آمداست و سیاری از شخصیت های برجسته پاکدامن و پارسا در آن حضور دارند و تحقیقاً رئیس قوه قضائیه امروز یکی از امین ترین، غیورترین علمای برجسته این کشور محسوب می‌شود. براین اساس همگان باید متوجه مسئولیت خود در حفظ احترام دستگاه قضائی و علم تبعیت از هیجانات و لنجیزه های سیاسی در برخورد با آن باشند.»

این موضعگیری خامنه‌ای به نفع یزدی، پاسخ صریحی است به جناح کارگزاران، مجمع روحانیون و گروههای دانشجویی طرفدار آنها که رسماً طی نامه های سرکشاده

صفحه ۱۵

کمک های مالی خود را به شماره حساب بانکی
زیر واپس و رسید آنرا به همراه کد مورد نظر به
آدرس زیر ارسال نمایید.

I.W.A
6932641 Postbank
Holland

شماره فکس

سازمان فدائیان (اقلیت)

۴۹ - ۵۹۷۹۱۳۵۷

نشانی سازمان بر روی اینترنت:

info@fadaaii-minority.org <http://www.fedaian-minority.org>



Organization Of Fedaian (Minority)

No. 315 aug 1998

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی – برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق